



آغاز پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی در مناطق ۱۱ و ۱۲

هوای همسایه‌ات را داشته باش!

پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر تهران به راه افتاده است. پویشی که امید می‌رود در سایه آن، کیفیت زندگی در آپارتمان‌های سر به فلک کشیده پایتخت کمی بهتر شود.

یکشنبه

۵ بهمن ۱۳۹۹

سال شانزدهم / شماره ۷۸۶

۱۶ صفحه



حیات خانه‌موزه استاد لرزاده

بوستان اهالی است

آغوش باز معمار ایرانی به سوی «بهار»

صفحه ۱۱



ماجرای ورود اتومبیل به پایتخت به روایت
«عباس حسینی» نویسنده کتاب «این اتولی که من می‌گم...».

«خر دجال» از دریا به خشکی رسید

همزمان با آخرین ماه پاییز امسال، داستان ورود خودرو به ایران ۱۲۰ ساله شد. اتولی که از ینگه دنیا بعد از گز کردن راه پرفراز و نشیب دریایی و زمینی و از دست دادن یارش در میانه راه...

صفحه ۱۵



مرور تاریخچه شکل‌گیری خیابان
استاد نجات‌اللهی

خاطرات دور یک خیابان اعیان‌نشین

ورق زدن تاریخ کوچه‌ها و محله‌ها و خیابان‌ها همیشه برای قدیمی‌ترها یادآور خاطرات تلخ و شیرین است و برای امروزی‌ها جذاب و شنیدنی: خیابان‌هایی که هر چند سنگفرش‌هایشان طی سال‌ها زیر پای رهگذران فرسوده شده...

صفحه ۱۴



۱۸۱۹

جهت کسب اطلاعات بیشتر و سفارش آگهی
با نزدیکترین دفتر قبول آگهی تماس بگیرید

شرح در صفحه ۳

با تبلیغات در همشهری
درست به هدف بزنید

تیتیر یک

پلاسکو پروانه گرفت

شهردار منطقه ۱۲ از صدور پروانه ساختمان جدید پلاسکو خبرداد.

علی محمد سعادت‌ی در مورد آخرین وضعیت ساخت ساختمان جدید پلاسکو و سرانجام اخذ پروانه ساختمانی گفت: ساختمان جدید پلاسکو توانست تمام تأییدیه و مجوزهای لازم از سازمان‌های ناظر همچون سازمان نظام مهندسی، آتش‌نشانی و...



او با بیان اینکه در ساختمان جدید پلاسکو تمهیدات خاص و فوق‌العاده‌ای در زمینه تأمین ایمنی به کار رفته، به گونه‌ای که حتی بالاتر از استانداردهای تعیین شده است، افزود: همچنین برنامه‌ریزی برای نظارت بهتر بر روند بهره‌برداری برای حفظ استانداردها اتخاذ شده

۴ همراه‌سرا در قلب پایتخت راه‌اندازی می‌شود

شهردار منطقه ۶ تهران از آماده‌سازی ۴ مکان برای راه‌اندازی همراه‌سرا در بیمارستان‌های محدوده مرکزی تهران خبر داد. «تورج فرهادی» اظهار کرد: «در حال مذاکره با ارتش هستیم تا در قسمتی از پادگانی که در خیابان باقرخان قرار دارد، هزار سوئیت به‌عنوان همراه‌سرا ایجاد کنیم. این همراه‌سرا برای استقرار موقت همراهان بیمارانی که در بیمارستان امام خمینی(ره) و همچنین «مهدی کلینیک» بستری می‌شوند، مناسب است.» وی افزود: «یک ملک ۱۸۰۰ مترمربعی به همراه یک سوله در اختیار یکی از خیران که استاد دانشگاه تهران است قرار گرفته تا به‌عنوان همراه‌سرا آماده شود. یک ملک هزارمترمربعی نیز از بنیاد مستضعفان گرفته‌ایم و با همکاری خیران در حال تبدیل آن به همراه‌سرا هستیم.» فرهادی ادامه داد: «طرف بیمارستان فاطمه‌الزهر(س) و محب کوثر و بسیاری از بیمارستان‌های دولتی نظیر شریعتی را خالی و همراه‌سرا ایجاد می‌کنیم.»



کارگاه‌های رایگان روان‌شناسی

مجموعه کارگاه‌های روان‌شناسی با موضوع‌های مقابله با اضطراب و وسوسا و راه‌های شاد زیستن در سرای محله خواجه نظام‌الملک برگزار می‌شود. این کارگاه‌ها از ۲۰ دی شروع شده‌اند و تا ۱۲ بهمن ادامه خواهند داشت. در این کارگاه‌ها که به رایگان و یکشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها برگزار می‌شوند، کارشناسان درباره وسوسا و مقابله با آن و همچنین تکنیک‌هایی برای حفظ آرامش و شادی صحبت می‌کنند. اگر علاقه‌مندید در این کارگاه‌ها که به‌صورت حضوری و با حفظ تمامی پروتکل‌های بهداشتی برگزار می‌شوند، شرکت کنید، می‌توانید به سرای محله خواجه‌نظام به نشانی میدان نامجو، خیابان آجاره‌دار، تقاطع شیخ صفی، بوستان سپیدار مراجعه کنید. برای اطلاعات بیشتر نیز می‌توانید با شماره ۷۷۵۳۲۲۶۶ تماس بگیرید.

آموزش محاسبات ذهنی ریاضی به کودکان

ثبت‌نام کارگاه آموزش محاسبات ذهنی ریاضی با چرتکه «شهر حساب» با هدف افزایش ظرفیت ذهن کودکان در فرهنگسرای خانواده آغاز شد. این دوره آموزشی به‌صورت هفتگی برای ۲ گروه سنی ۵ تا ۷ سال و ۸ تا ۱۲ سال و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به‌صورت حضوری و مجازی برگزار می‌شود. ثبت‌نام ترم اول به مدت محدود رایگان است. در این کارگاه آموزش محاسبه نوآورانه با به کارگیری چرتکه با هدف پویایی مغز کودکان (نیمکره چپ و نیمکره راست) تدارک دیده شده است. اطلاع از دوره‌های در حال برگزاری و ثبت‌نام کلاس‌هایی که به‌صورت مجازی برگزار می‌شود در نشانی اینترنتی <http://edu.farhangihonarin.ir/Home/NewHome> قابل دسترس است. والدین برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره‌های ۸۸۷۱۲۸۳۹ و ۰۹۲۲۲۶۵۶۸۹ تماس بگیرند.



تأمین و ارتقای روشنایی گذر پشت بزرگراه شهید نواب صفوی

برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و تأمین ایمنی شهروندان، به‌ویژه بانوان، روشنایی معابر گذر پشت بزرگراه شهید نواب صفوی با نصب برج نوری و پروژکتور افزایش یافت. این عملیات در ادامه اجرای

پروژه ارتقای امنیت بانوان در دستور کار نواحی سه‌گانه منطقه ۱۰ قرار گرفت. در این اقدام برج نوری و پروژکتور در باتوق محله بریانک، خیابان سلیمان، گلبن شمالی نصب شد.



میز خبر

نخستین مناقصه الکترونیکی شهرداری تهران در منطقه ۱۲ کلید خورد

نخستین مناقصه الکترونیکی شهرداری تهران به‌صورت آزمایشی در منطقه ۱۲ اجرا و اسناد مناقصات (پاکت الف) این منطقه به‌صورت الکترونیکی دریافت شد.

شهردار منطقه ۱۲ با اعلام این خبر گفت: موضوع شفافیت و سلامت اداری و مالی در دوره مدیریت شهری جدید در شهر تهران، همواره یکی از دغدغه‌ها و تعهدهایی بوده که به شهروندان وعده داده شده و از سوی دیگر عزم شهرداری تهران همواره بر تحقق شهروند الکترونیک در این شهر بوده است.

«علی‌محمد سعادت‌ی» با اشاره به مناقصات و مزایده‌های متعددی که همه‌ساله در شهرداری‌های مناطق بیست‌ودوگانه برگزار می‌شود، ادامه داد: «الکترونیکی شدن این مناقصات و مزایده‌ها با ۲ هدف ایجاد شفافیت و سلامت اداری و مالی و حرکت به سوی تحقق شهروند الکترونیک در دستور کار شهرداری تهران گرفته که اقدامی نیکو و شایسته است.» شهردار منطقه ۱۲ توضیح داد: «این اقدام سبب می‌شود پس از این، همه پیمانکاران و عوامل برگزاری و انتخاب پیمانکاران در مناطق، سازمان‌ها و شرکت‌ها بتوانند به‌صورت الکترونیکی، اسناد، مدارک و مختصات خود را برای شرکت در مناقصه در سامانه و سیستم‌های جامع مبتنی بر فناوری ثبت و ضبط کنند. به این ترتیب، امکان هر گونه دخل و تصرف یا تخلف در این زمینه کاهش پیدا می‌کند یا حتی به صفر می‌رسد.»

وی افزود: «شهرداری منطقه ۱۲ به‌عنوان نخستین منطقه تهران، شاهد برگزاری نخستین مناقصه الکترونیکی بود، به گونه‌ای که هم اسناد شرکت‌کنندگان در این مناقصه به‌صورت الکترونیکی در سامانه جامعی که به این منظور طراحی شده، ثبت و ضبط و بارگذاری شد و هم اعضای کمیسیون مناقصه به‌طور کامل به‌صورت الکترونیکی موارد بارگذاری‌شده را بررسی کردند.»

سعادت‌ی با بیان این مطلب که به‌زودی این اتفاق در دیگر مناطق شهر تهران نیز اجرا خواهد شد، گفت: «این فرایند، اعتماد عمومی و مشارکت را بین پیمانکاران و همکارانی که در قالب شرکت‌های مختلف، باری را از دوش شهرداری تهران برمی‌دارند، اقدامات اجرایی ما را رقم می‌زند و خدماتی را به شهروندان ارائه می‌دهند، افزایش می‌دهد که جای تقدیر و تشکر دارد.»



چهره

«رویا مولوی» نفر اول جشنواره «سلول‌های بنیادی» از اهالی خیابان مالک‌اشتر پژوهش؛ پنجره‌های به‌سوی زندگی بهتر

پژوهش علاوه بر اینکه باعث گشودن پنجره‌های تازه به روی علم و فناوری می‌شود، در زندگی هم نقش و تأثیرگذاری مهمی دارد. به عبارت دیگر، افزایش میزان اطلاعات به انتخاب سبک صحیح زندگی کمک فراوانی می‌کند؛ موضوعی که متأسفانه در سیستم آموزشی فقط در حد حرف و روی کاغذ است و در عمل به آن توجه چندانی نمی‌شود. زمانی که کتابی را مطالعه می‌کنیم اطلاعات محدودی کسب می‌کنیم، اما با تجربه و تحقیق، اطلاعات و آگاهی‌های کاربردی‌تری را برای زندگی به دست می‌آوریم. با پژوهش می‌توانیم همه جوانب مورد نیاز یک علم را بسنجیم. اما متأسفانه پژوهش در سیستم آموزش و پرورش ما جایگاه مناسبش را ندارد و بسیاری آن را مانع درس خواندن می‌دانند. البته باتوجه‌به نوع آموزش‌ها این اتفاق هم می‌افتد و در بسیاری مواقع پژوهش مانع از درس خواندن می‌دانند. پژوهش قوه تحلیل و تجزیه را در زندگی افزایش می‌دهد و باعث می‌شود تا در رویارویی با مشکلات زندگی سنجیده‌تر واکنش نشان دهیم. حتی در رفتار و آداب شهروندی، می‌توانیم به مدد افزایش میزان آگاهی و آگاهی برآمده از تحقیق و پژوهش، برخورد مناسب و بهتری از خود نشان دهیم.



آخر ویژه

«کوچه دوستی» به محله‌های قلمستان و عباسی رسید

شهردار منطقه ۱۱ تهران گفت: «در آستانه نوروز ۱۴۰۰، اجرای طرح «کوچه دوستی» در ۲ محله قدیمی قلمستان و عباسی با ایده‌های بانوان و کودکان برای بازآرایی کوچه‌های بخش مرکزی شهر آغاز شد.» «نصراله‌آبادیان» افزود: «از سوی اداره بانوان معاونت اجتماعی و فرهنگی این منطقه، طرح کوچه دوستی با رویکرد ارتقای مشارکت شهروندان، ارتقای حس تعلق محله‌ای، هویت‌بخشی به محله‌های قدیمی و... از طریق تلفیق هنر و خلاقیت، با مشارکت شهروندان، به‌ویژه بانوان، در آستانه استقبال از نوروز ۱۴۰۰ اجرا می‌شود.»

آبادیان ادامه داد: «به همین منظور کوچه‌های فودازی و برزگر در محله‌های عباسی و قلمستان برای اجرای طرح انتخاب شده‌اند و برای جلب مشارکت شهروندان و دریافت ایده‌های بدیع و خلاقانه آنان برای ترسیم بر دیوار کوچه‌های مذکور، فراخوان طرح به‌صورت گسترده در منطقه و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.» شهردار منطقه ۱۱ بیان کرد: «پس از دریافت ایده‌ها در دبیرخانه منطقه، ضمن پایش و ارزیابی برترین‌ها از لحاظ نوآوری، خلاقیت، القای حس تعلق محله‌ای و... ایده‌های برگزیده برای اجرا و پیاده‌سازی وارد فاز اجرایی می‌شود.» او مشارکت زنان و کودکان را در خلق آثار هنری و به تصویر کشیدن هنر در نماهای بصری محله را از جمله شاخص‌ترین ویژگی‌های طرح کوچه دوستی برشمرد و گفت: «در این طرح، فضای محله با دستان هنرمند و توانای بانوان مشارکت‌جو و فعالین محلی، رنگ نشاط و شادابی می‌گیرد.»

۱۰۰۰

سوئیت ۲۵ متری با حمایت خیران به‌منوان همراه‌سرا در محدوده بیمارستان امام‌خمینی^(ع) احداث می‌شود.

۱۴

هزار پیلز کل‌لله برای ارتقای منظر شهر در میدان‌های پاستور و حر در حال کاشت است که تا دهه‌فجر تکمیل خواهد شد.

۳۰۰

درخت چنار با بن ۴۰-۳۵ سانتیمتری با اجرای طرح «زیباسازی با درخت» در قالب نهضت درختکاری در خیابان‌های ممیری و امام‌خمینی^(ع) کاشته می‌شود.

۲۳۶

درختچه یاس هلندی و ۷۸ اصله چنار برای توسعه فضای سبز خطی در ضلع غربی محور آرادی، حد فاصل خیابان شهیدان تا بزرگراه یادگار امام^(ع) کاشته شد.

غرب	شرق
www.Rahnama.com آرادی آیت الله گلشنی بلوار فردوس پونک توحید تهرانسر دهکده المپیک جلال آل احمد جنت آباد ستارخان سعادت آباد شهران شهرک اکباتان شهرک غرب صادقیه فرحزاد فلکه اول شهران فلکه دوم صادقیه میدان المپیک نواب هاشمی	Rahnamamedia افسریه بلوار پروین پیروزی تهرانپارس تهران نو حکیمیه خاوران سم راه افسریه رسالت فرجام قنات کوثر مجیدیه میدان امام حسین نارمک نبرد نظام آباد نیروی هوایی
شمال	جنوب
آرژانتین آفریقا اقسیه اندروزگو پارک ملت	افسریه بلوار پروین پیروزی تهرانپارس تهران نو حکیمیه خاوران سم راه افسریه رسالت فرجام قنات کوثر مجیدیه میدان امام حسین نارمک نبرد نظام آباد نیروی هوایی
مرکز	جنوب
امین حضور انقلاب بازار جمهوری حافظ سعدی سمیه	امیریه خراسان فرزانه بخارایی دولت آباد سه راه آذری شوش شهری عبدالآباد کارگر جنوبی مولوی مهرآباد نازی آباد وحدت اسلامی یافت آباد بهشت زهرا
جنوب تهران	شمال تهران
اسلامشهر دماوند	اسلامشهر دماوند
تلفن پذیرش آگهی	تلفن پذیرش آگهی
۱۸۱۹	۱۸۱۹
شبانه روزی	شبانه روزی

گفت‌وگو با بانوی توانایی
که روی ورقه‌های فلزی نقاشی می‌کند

زندگی بهترین هدیه خداوند است

معصومه حق‌جو

گاهی اوقات با انسان‌هایی آشنا می‌شویم که با وجود مشکلات جسمی، دست از فعالیت برنداشته‌اند و این مشکلات نه تنها باعث انزوا و گوشه‌گیری آنها نشده، بلکه مسیری برای رشد و پیشرفتشان فراهم کرده است. «الهام هاشمی» یکی از همین افراد است. این بانوی هنرمند با اینکه از بدو تولد با معلولیت سی‌پی (نوعی اختلال مغزی که باعث آسیب دیدن عضلات حرکتی می‌شود) مواجه بوده، ولی عشق به کارهای هنری او را کم‌کم به سمت یادگیری نقاشی روی فلز سوق داده است. هاشمی در منطقه ۷ و محله سبلان جنوبی سکونت دارد و معتقد است زندگی هدیه‌ای از طرف خداست و خوب زندگی کردن ما هم می‌توان شکر این نعمت باشد. او در انجمن علمی و آفرینش‌های هنری معلولان ایران هم عضویت دارد. با او هم‌صحبت شدیم تا از هنرش و این روزهای کرونایی بگوید.

«چطور شد که از بین همه رشته‌های هنری، نقاشی روی فلز را انتخاب کردید؟

سال‌ها قبل هنر «اسکراچ برد» را دیده و علاقه‌مند شده بودم. در این هنرلایه نازکی از مرکب سیاه را روی ورقه گچی اضافه می‌کنند تا سطح آن سیاه شود و بعد به وسیله ابزار نوک‌تیز، طرح مورد نظرشان را روی آن خراش می‌دهند. کاری که می‌خواستم انجام بدهم شبیه اسکراچ برد بود، ولی به‌صورت حکاکی روی فلز. نقاشی روی فلز همان وسیله‌ای است که می‌توانم با آن تمام احساساتم را بیان کنم و از این‌کار لذت ببرم، اما این هنر چنان‌که باید معرفی نشده و شناخته‌شده هم نیست.

«همه هنرها زیبایی‌های خاص خود را دارند. در نقاشی روی فلز چه مزیت هنری یا جوه زیبایی‌شناسانه‌ای وجود دارد؟

اینکه روی فلز با وجود سختی و محکمی به گونه‌ای حکاکی کنی تا یک اثر هنری خلق شود به نوبه خود زیباست. درست مثل استقامت در برابر سختی‌ها که نتیجه آن تبدیل انسان به موجودی مقاوم‌تر از قبل است. همین موضوع نقاشی روی فلز را برای من برجسته کرد.

«با شیوع کرونا قدرت خرید مردم بسیار کم شده و قیمت اجناس بالا رفته، این موضوع روی بازار کار شما هم تأثیرگذار بوده است؟

چند از رکود اقتصادی که همه با آن مواجه شده‌اند، ابزار و وسایل اولیه کارم هم بسیار گران و کمیاب شده است. آلومینیوم نایاب شده و نمی‌توانم کارم را گسترش بدهم. متأسفانه فراهم نبودن مواد اولیه در این برهه زمانی جلو فعالیتیم را گرفته است.

آلومینیوم هم از فلزهای گران‌قیمت محسوب می‌شود و در شرایط فعلی هم هر لحظه قیمت آن بالاتر می‌رود در حالی که بازار فروش رونق زیادی ندارد. البته این هنر مخاطبان خاص خود را دارد؛ هنردوستانی هستند که ارزش کار هنری را می‌دانند و هنر را با سکه نمی‌سنجند، بلکه به احساس هنرمند توجه می‌کنند.

«در برخی از آثار که خلق می‌کنید از نقوش و طراحی‌های سنتنی استفاده کرده‌اید. برای انتخاب طرح‌ها چه معیارهایی دارید؟

بیشتر ترجیح می‌دهم از طبیعت و منظره استفاده کنم. گاهی هم پیش آمده طرحی را که ظریف بوده و به دلم نشسته روی آلومینیوم نقاشی کرده‌ام. برخی اوقات از طرح‌های سنتی هم استفاده می‌کنم. آیات قرآن یا پیامی از بزرگان یا اشعار کلاسیک را هم روی فلز حکاکی کرده‌ام.

«برای نمایش آثارتان، به‌جز نمایشگاه، از ظرفیت فضای مجازی هم استفاده می‌کنید؟

آثارم را قبل از کرونایا در غرفه‌ها و نمایشگاه‌هایی که اکثراً از سوی شهرداری برپا می‌شد، عرضه می‌کردم. حالا که این نمایشگاه‌ها برگزار نمی‌شوند، تمایلی ندارم از فضای مجازی برای نمایش آثارم استفاده کنم. به نظرم مخاطب در فضای مجازی نمی‌تواند به خوبی با اثر ارتباط برقرار کند و حس هنرمند و جهان‌بینی او را که در اثرش مشهود است، درک کند.

«برخی افراد می‌گویند که معلولیت، محدودیت نیست. چقدر این جمله در مورد شما صدق می‌کند؟

اگر بگویم محدودیت نیست، شعار داده‌ام. چون هر محدودیتی، محرومیت را هم به دنبال دارد. اما نوع نگاه به زندگی می‌تواند مسیر را برای انسان‌ها هموار و آنها را به آینده امیدوار کند. معلول بودن در هر حال جزئی جدانشدنی از زندگی من و امثال من محسوب می‌شود.

«تا به حال شده با توجه به شرایط جسمی آثار از شما حمایت کرده‌اند؟

بله. در این چند سال فعالیت به مرور با مؤسسه‌های مختلفی آشنا شده‌ام. یکی از این مؤسسه‌ها پیام‌آوران ساحل امید و آقای مبصر، مدیریت آن بوده که نخستین کار حرفه‌ای‌ام با معرفی این مؤسسه آغاز شد. پیام‌آوران ساحل امید با برگزاری نمایشگاه‌های متعدد برای افرادی مثل من باعث ایجاد انگیزه می‌شدند. انجمن علمی و کارآفرینی معلولان ایران و مدیر آن آقای برجیان هم هنوز حامی هنرمندان و توان‌یابان هستند و سعی می‌کنند مسیر را برای پیشرفت افراد دارای معلولیت هموار کنند.



و سختی‌هایی که با آنها مواجه‌اید، از ادامه فعالیت ناامید شوید؟

در شرایطی مثل دوری راه نمایشگاه‌ها و مشکلات در رفت‌وآمد و... گاهی پیش می‌آمد که کلاً از فعالیت و شرکت در برخی نمایشگاه‌ها منصرف شوم، چون هیچ‌فروشی نداشتم. اما عشق به کار بیشتر از آن چیزی بود که کلاً این هنر را کنار بگذارم و فعالیتی نکنم. بنابر این، با توکل به خدا به مسیر برمی‌گشتم.

«برای برگزاری کلاس در محله برای کودکان یا بزرگسالان پیشنهادی داشتید؟

موقعیت تدریس برای من تاکنون پیش نیامده و تجربه‌ای هم در این زمینه ندارم، ولی اگر شرایط مناسبی فراهم شود، با کمال میل حاضرم این هنر را به هم‌حملای هم آموزش بدهم.

«شهرداری اقداماتی در راستای مناسب‌سازی معابر محله سبلان برای معلولان انجام داده است؟

مناسب‌سازی معابر برای افراد دارای معلولیت در همه جای دنیا مورد توجه است، اما متأسفانه در کشور ما شهرداری‌های کم‌تر به این موضوع مهم پرداخته می‌شود. در همین محله سبلان اصلاً کوچه‌ها و خیابان‌ها مناسب رفت‌وآمد ما نیست. بارها اتفاق افتاده به دلیل خرابی آسفالت برای تردد دچار مشکل شده‌ام.

«چه انتظاری از شهرداری و نهادهای مربوطه دارید؟ چگونه می‌توانند به معلولان



اینکه روی فلز با وجود

سختی و محکمی به

گونه‌ای حکاکی کنی تا

یک اثر هنری خلق شود

به نوبه خود زیباست؛

درست مثل استقامت

در برابر سختی‌ها که

نتیجه آن تبدیل انسان

به موجودی مقاوم‌تر از

قبل است

چند انتظاری از

شهرداری و نهادهای

مربوطه دارید؟ چگونه

می‌توانند به معلولان

هنرمند کمک کنند؟

شهرداری و نهادهای مختلف می‌توانند

سفارش هدایایی را که از جانب سازمان خود

قصد دارند به کارمندان یا افراد خاص بدهند

به ما بپسپارند و از ما خرید کنند. از این طریق

ما و آثارمان معرفی می‌شویم. اگر شهرداری هر

منطقه هنرمندان معلول خود را به دیگر مناطق

شهرداری برای همین هدایای مناسبی معرفی

کند، به این‌ترتیب به نوعی برای افرادی مثل من

کارآفرینی هم می‌شود.

«مؤسسه‌ها یا نهادهای برای فروش یا عرضه

آثار از شما حمایت کرده‌اند؟

بله. در این چند سال فعالیت به مرور با

مؤسسه‌های مختلفی آشنا شده‌ام. یکی از این

مؤسسه‌ها پیام‌آوران ساحل امید و آقای مبصر،

مدیریت آن بوده که نخستین کار حرفه‌ای‌ام با

معرفی این مؤسسه آغاز شد. پیام‌آوران ساحل

امید با برگزاری نمایشگاه‌های متعدد برای افرادی

مثل من باعث ایجاد انگیزه می‌شدند. انجمن

علمی و کارآفرینی معلولان ایران و مدیر آن آقای

برجیان هم هنوز حامی هنرمندان و توان‌یابان

هستند و سعی می‌کنند مسیر را برای پیشرفت

افراد دارای معلولیت هموار کنند.



از سال ۱۳۶۴ بیمارستان جرجانی تعطیل
و تاکنون به‌صورت مخروبه رها شده است

سرمایه دردسرساز

شقایق عرفی‌نژاد

«در خیابان دماوند، روبه‌روی بیمارستان بوعلی، بیمارستان دیگری هم هست، یا بهتر است بگوییم، بود. اگر از مقابل این بیمارستان عبور کنید، فقط دیوارهای کثیف و دودگرفته می‌بینید، اما از روی پل عابرپاده مقابل بیمارستان که داخل را نگاه کنید، فضایی رهاشده می‌بینید که تا چند وقت پیش پر از زیاله‌های انباشته بود و درختان تقریباً خشکیده و این چیزی است که ساکنان خیابان‌های اطراف با آن مواجهند. بیمارستان جرجانی تا سال‌های میانه دهه ۶۰ فعال بوده است. اما یکباره تعطیل و از آن به بعد به فضای متروکه بیکاربرد تبدیل می‌شود. بیمارستانی که نه تنها اهالی که شهروندان دیگر مناطق تهران هم از آن استفاده می‌کردند، امروز به مشکل اهالی تبدیل شده است. آن‌طور که مشخص شده، این بیمارستان متعلق به سازمان تأمین اجتماعی است و این سازمان است که باید درباره آن تصمیم بگیرد.»

«جعفر عموزاد» عضو شوراییاری محله نظام‌آباد، درباره این بیمارستان می‌گوید: «سال ۶۴ یا ۶۵ بیمارستان جرجانی تعطیل شد و وسایل آن را تخلیه کردند و به بیمارستان دیگری بردند. تا الان هم به‌صورت مخروبه رها شده است. در این دوران که با همه‌گیری کرونا مواجهیم آماده‌سازی و بازگشایی این بیمارستان می‌تواند کمک بزرگی به رسیدگی به بیماران کرونایی باشد.» او توضیح می‌دهد: «زمانی که آقای ربیعی در وزارت رفاه بود، با او صحبت کردم و قول پیگیری داد. ولی بعد شش‌ش عوض شد و مشکل باقی ماند. با شهرداری منطقه هم صحبت کردم، قرار شد زمین را از سازمان تأمین اجتماعی خریداری کنند تا تبدیل به فضای سبز شود. اما هیچ‌کدام از این اتفاقات به دلیل نبود هماهنگی بین نهادهای مختلف نیتاد.» عموزاد این بیمارستان را سرمایه بزرگی می‌داند که در حال از بین رفتن است. اما «ابراهیم رهبرخواه» از شورایاران محله نظام‌آباد، می‌گوید: «بین بیمارستان طبق مصوبه شورای‌شهر و شهرداری قرار می‌داند که در حال از بین رفتن است. است با کاربری بیمارستان یا فضای سبز و ورزشی افتتاح شود. به‌تازگی هم شهرداری مسأله کاربری فرهنگی این فضا را مطرح کرده است و معاون برنامه‌ریزی شهری شهردار منطقه هم آن را تأیید کرده است. اما همچنان خبری نیست.» او می‌گوید اصراری



در این دوران

که با همه‌گیری

کرونا مواجهیم

آماده‌سازی و

بازگشایی این

بیمارستان می‌تواند

کمک بزرگی برای

رسیدگی به بیماران

کرونایی باشد

مختص بین دیوارهای آجری

ساکنان این بخش از خیابان دماوند

با این فضای رهاشده مشکلاتی دارند.

«سیداحمد موسوی» ساکن این منطقه

درباره این مشکلات می‌گوید: «بیمارستان متروکه

فضای خیابان را خراب کرده است. ساختمانی که

امروز بین دیوارهای آجری محصور شده است، سال‌ها

پیش بیمارستان جرجانی بود که اهالی منطقه و دیگر

شهروندان تهرانی از آن استفاده می‌کردند. تازگی‌ها دیوارهای بیمارستان از طرف کوچه ناجی رنگ‌آمیزی شده است. اما از بالای پل عابر وضعیت به گونه‌ای دیگر است. مدت‌ها این فضای چندهزارمتری پر از زیاله و گل و گیاهان خشکیده بود. این وضعیت مشکلات بهداشتی برای شهروندان به وجود می‌آورد. الان با بردن زیاله‌ها وضعیت کمی بهتر شده است.»

او مشکل دیگری را هم مطرح می‌کند: «اینجا تبدیل به پاتوق معتادان شده است. حتی روی بخشی از دیوار بیمارستان سیم‌خاردار کشیدند تا از این اتفاق جلوگیری کنند. با نصب این سیم‌خاردار مشکل تا مدتی برطرف شد، اما این افراد سیم خاردارها را از سمت خیابان بخشی‌فرد بریدند و باز وارد بیمارستان شدند. حتی یکی از درهای بیمارستان در همین خیابان بخشی‌فرد جوش داده شد تا معتادان نتوانند از آن وارد بیمارستان شوند، ولی این در را هم باز کردند و دوباره وارد شدند.»

موسوی که ساکن کوچه آذری در مقابل همین بیمارستان است و در همین محله هم دفتر معامله املاک دارد، توضیح می‌دهد: «اگر هر روز از مقابل این بیمارستان عبور نکنم، یک روز در میان رد می‌شوم. وضعیت بسیار بد است. یک روز دیدم شهرداری در را باز کرده و به درختان آب می‌دهد، ولی فکر نمی‌کنم این کار به‌صورت مستمر انجام شود.» او هم از پیگیری‌های که شورایاری انجام داده صحبت می‌کند و اینکه در زمان شهردار پیشین منطقه پیگیری‌هایی برای تعیین تکلیف این بیمارستان انجام شده بود. او نامیدانه می‌گوید: «چند شهردار قول پیگیری دادند، ولی هنوز اتفاقی نیفتاده است.» اما باز هم آرزو می‌کند فکری به حال این معضل شهری شود.



ابراهیم رهبرخواه
از شورایاران محله
نظام‌آباد



جعفر عموزاد
عضو شورایاری محله
نظام‌آباد



«محبوبه ابراهیمی» یکی دیگر از ساکنان محله مسأله مهم دیگری را مطرح می‌کند. او ایمنی این ساختمان را مورد سؤال قرار می‌دهد: «ساختمان بیمارستان جرجانی به‌عنوان نمادی از ساختمان‌های نایمن شهری از منظر اجتماعی، سیمای شهری، بهداشت و محیط‌زیست بارها مورد بحث و گفت‌وگو بوده است. اما این ساختمان که با قدمت بیش از نیم قرن در منطقه ۷ رها شده، باید از نظر ایمنی در برابر حریق و زلزله هم مورد توجه قرار گیرد. این ساختمان سالمندان و کنار دانشکده علوم توانبخشی و دانشکده فنی و حرفه‌ای شمس‌پور واقع شده است و در صورت آتش‌سوزی یکی از اصلی‌ترین مراکز تهدیدکننده امنیت منطقه ۷ است.» او می‌گوید: «در قانون شهرداری وظیفه این نهاد در زمینه ایمن‌سازی شهر در برابر حریق و همچنین ساختمان‌های نایمن شهری به وضوح تشریح شده است. بنا بر این قانون، شهرداری باید درباره زمین‌ها و بناهای مخروبه یا نیمه‌کاره که در خیابان یا کوچه‌ها قرار گرفته‌اند و خلاف ایمنی یا زیبایی و دیگر موازین شهری هستند، هشدار و به مالکان آنها اخطار دهد. در مورد این ساختمان هم باید قبل از اینکه حادثه‌ای تلخ دوباره تکرار شوند، به سرعت فکری کند.» ابراهیمی از حضور افراد خلافکار یا معتاد در این ساختمان هم نارضی است و می‌گوید: «بیمارستان جرجانی در محدوده‌ای واقع شده که دارای بافت اداری، آموزشی و مراقبتی است و فقط در طول روز افراد در این محدوده تردد دارند. نظارت نداشتن بر اوضاع داخل ساختمان متروک جرجانی فرصتی در اختیار خلافکاران و معتادان گذاشته که مشکلاتی برای محله و اهالی ایجاد کرده است.»





آغاز پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی در مناطق ۱۱ و ۱۲

هوای همسایه‌ات را داشته باش!

فاطمه عسگری‌نیا

پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر تهران به راه افتاده است. پویشی که امید می‌رود در سایه آن، کیفیت زندگی در آپارتمان‌های سر به فلک کشیده پایتخت کمی بهتر شود. خبرراندازی این پویش در محله‌های مرکزی شهر که زندگی آپارتمان‌نشینی در آنها به واسطه فضای شهری متراکم کمی سخت‌تر است باعث دلگرمی اهالی مناطق ۱۱ و ۱۲ شده و امید آن می‌رود که با این پویش در سایه مشارکت مردم کمی زندگی شیرین‌تر شود. در این گزارش، مردم از انتظارات و خواسته‌های خود برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندی سخن می‌گویند.

محله‌های مناطق مرکزی شهر تهران را قدیمی‌های این شهر خوب یادشان است، محله‌هایی با خانه‌های حیاطدار و دیوارهای نسبتاً کوتاه که قد درختان نارنج و انار در خیلی از آنها از قد دیوار حیاط بالا زده بود و شاخه‌های سرسبزشان مهمان خانه همسایه بودند. صدای آبنمای سیمانی کوچک در میانه حیاط خانه‌ها و جست‌وخیز بچه‌ها دور حوض آبی‌رنگ زیباترین ملودی زندگی بود. اما حالا دیگر این‌طور نیست. هرچند در میانه چند کوچه و خیابان‌های قلب تهران هنوز ردی از این خانه‌های زیبا دیده می‌شود، اما تا چشم کار می‌کند ساختمان‌های سر به فلک کشیده‌ای است که مثل قارچ در کوچه‌پسکوچه‌های باریک محله‌ها قد کشیده‌اند.

آپارتمان‌نشینی در کوچه‌های تنگ و باریک

«براهیم حسینی» یکی از اهالی محله راه‌آهن در منطقه ۱۱، می‌گوید: «کوچه‌های باریکی که در گذشته نهایتاً ۵ تا ۶ خانوار را در خود جای می‌دادند، امروز به جای هر خانه‌ای که در آنها بود یک آپارتمان ۴ تا ۵ طبقه ۲ واحدی در خود جای داده و طوری شده است که اگر اهالی این خانه‌ها همه با هم بخواهند در کوچه حاضر شوند، نمی‌توانند؛ یعنی کوچه ظرفیت میزبانی از آنها را ندارد. آپارتمان‌هایی که اغلب به تعداد ساکنان پارکینگ ندارند و پارک شدن خودرو مقابل خانه همسایه همواره محل دعوی اهالی با یکدیگر است.»

حقوق همسایگی رعایت نمی‌شود

«حسین سجادی» یکی از اهالی محله جمهوری، هم در این باره می‌گوید: «متأسفانه در سال‌ها قبل از اینکه تهران در میان برج‌ها و آپارتمان‌ها گم شود اجرا می‌شد، هرچند هر وقت ماهی را از آب بگیرد تازه است. اما مجربان طرح باید حواسشان باشد که موفقیت این طرح در گرو مشارکت مردم است.»

فرهنگ آپارتمان‌نشینی از ساخت‌وسازها جا ماند

«حسین محمدی» هم ساکن محله هرندی است. او می‌گوید: «روزی که قرار بود طرح نوسازی بافت فرسوده در تهران اجرا شود، باید پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی را هم در شهر پیاده می‌کردند.

مشکلات زندگی آپارتمان‌نشینی در محله‌ها به جایی

رسیده که دیگر از اعتبار و حرمت همسایگی میان همسایه‌ها خبری نیست. اشکال کار اینجا بود که اغلب جمعیت ساکن در آپارتمان‌های شهر از فرهنگ آپارتمان‌نشینی، حقوق شهروندی و قوانین مشاعات بی‌اطلاع هستند.»

حرف‌هایش را با اه سنگینی که از سینه بیرون می‌دهد پی می‌گیرد: «در گذشته همسایه سرکوچه از احوال همسایه ته بن‌بست خبر داشت، اما امروز ۲ همسایه در یک طبقه، حتی ممکن است در طول یک سال همسایگی همدیگر را درست‌وحسابی نشانند.»

مشکل کجاست؟

نگهداری حیوانات خانگی و ایجاد سرو صداهای ناشی از آن، بی‌توجهی به رعایت نظافت در مشاعات ساختمان، همکاری نکردن در پرداخت هزینه‌های نگهداری ساختمان و... از جمله مسائل و مشکلات مشترک اهالی ساکن در آپارتمان‌های مناطق ۱۱ و ۱۲ است. براساس مطالعات صورت گرفته در تهران، بیشترین میزان اعتماد به همسایه‌های نزدیک در مناطق ۱۹، ۲۰ و ۲۱ وجود دارد، در حالی که ساکنان مناطق ۱۰، ۱۲ و ۸ کمترین اعتماد به همسایه‌ها را ابراز کرده‌اند. منطقه ۱۱ هم رتبه ۱۵ را در این بخش کسب کرده است.

میزان رضایت شهروندان از روابط بین همسایگان

در تهران میانگین نمره رضایت شهروندان تهرانی از روابط میان همسایگان ۶۵ از ۱۰۰ است. مطالعات نشان می‌دهد که میزان رضایت شهروندان از روابط میان همسایگان در محله‌های مناطق جنوبی تهران بیشتر از نیمه شمالی شهر است. اهالی ساکن در منطقه ۶ رتبه ۱۴ رضایت از همسایه‌ها را دارند و در منطقه ۷ این رتبه ۱۸ است وضعیت رضایت همسایه‌ها از هم در منطقه ۲، ۱۰ رتبه بیشتر از منطقه ۷ بوده و جایگاه ۱۶ را نشان می‌دهد. در مناطق ۱۱ و ۱۲ نیز رتبه رضایت از همسایگان به‌ترتیب رتبه‌های ۹ و ۱۵ است.

شهر محله‌محور با شهروندان قانونمند

«رنا حسینی مقدم» یکی از فعالان اجتماعی شهر تهران، می‌گوید: «ارتقای کیفیت زندگی شهروندان تهران باید از محله‌ها شروع شود و در محله باید این هدف از کوچه‌ها و اهالی ساختمان‌ها پیگیری شود. ما برای اینکه شهری خوب داشته باشیم باید ابتدا شهروندانی آموزش‌دیده و آگاه به حقوق خود داشته باشیم. وقتی شهروندان در رعایت قوانین ساختمان محل زندگی خود، کوچ‌ای که در آن زندگی می‌کنند و محله خود احساس مسئولیت می‌کنند قطعاً در ابعاد بزرگ‌تری مثل شهر هم رفتارشان تغییر خواهد کرد.»

او با اشاره به پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی در تهران می‌گوید: «زندگی غالب در تهران امروز زندگی آپارتمان‌نشینی است. وقتی مردم این شهر ناگزیر از زندگی آپارتمان‌نشینی هستند باید برای ارتقای فرهنگ این زندگی تلاش کنند. اجرای پویش ارتقای کیفیت زندگی آپارتمان‌نشینی بدون مشارکت مردم امکان‌پذیر نیست. این طرح باید توسط خود



محمودامیرآفریدی
معاون امور اجتماعی
و فرهنگی شهردار
منطقه ۱۱

مردم و معتمدان محله در ساختمان‌های بلندمرتبه اجرا شود. لذا تشکیل شبکه داوطلبان برای مشارکت در این طرح ضروری است.»

حشمت‌الدوله؛ میزبان طرح در منطقه ۱۱

محله حشمت‌الدوله در منطقه ۱۱ منطقه پاپلوت اجرای پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی است. محله‌ای که در ناحیه ۳ شهرداری منطقه ۱۱ واقع شده و جمعیتی بالغ بر ۱۲ هزار و ۲۵۴ نفر را در خود جای داده است. «محمدجواد رشیدی» معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار منطقه، علت انتخاب این محله را غلبه پیشتازی حشمت‌الدوله نسبت به سایر محله‌های منطقه ۱۱ در حوزه آپارتمان‌نشینی عنوان می‌کند و می‌گوید: «در محله‌های جنوبی منطقه، زندگی اهالی بیشتر در خانه‌های تک‌واحدی یا نهایتاً ۲ طبقه دنبال می‌شود. یکی دیگر از علل انتخاب این محله، جلب مشارکت مردمی بعد از ابر ماندن طرح کاپ در منطقه است و سعی کردیم با جایگزینی این طرح مارکت قبلی را حفظ کنیم.»

او با اشاره به ۳ موضوع محیط‌زیست و مدیریت کاهش پسماند، قوانین و حریم خصوصی و همسایگی و مشارکت به‌عنوان ۳ موضوع مطرح‌شده در پویش ارتقای کیفیت زندگی شهروندی می‌گوید: «منطقه ۱۱ موضوع همسایگی و مشارکت را در محله حشمت‌الدوله دنبال می‌کند.»



ارتقای کیفیت زندگی با پویش فرهنگ آپارتمان‌نشینی



نصرالله‌آبادیان
شهردار منطقه ۱۱

دستورالعمل ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی از سوی شهرداری تهران به مناطق بیست و دوگانه شهر تهران از جمله شهرداری منطقه ۱۱ ابلاغ شده است. کمیته‌ای که ابعاد مختلف میدانی و تبلیغاتی دارد و در سطح مناطق شهر تهران در ۲ بخش تسهیلگری و ترویجگری برگزار خواهد شد.

مباحث قوانین و حریم خصوصی در این طرح شامل قوانین و توافقات، حقوق و مسئولیت‌ها و تعاملات و روابط مطلوب است، در میثت همسایگی و مشارکت ۴ محور پهداشت، نظافت و زیباسازی محیط همسایگی، توجه به

اقتشاری همچون سسالمندان، کودکان و زنان در محیط همسایگی، تقویت روابط همسایگی در عین توجه به ملاحظات مربوط به زندگی در کلانشهر تهران و ایجاد بسترهای شناسایی مسائل مشترک و تقویت روحیه مطالبه‌گری و مشارکتی مورد تأیید است و در موضوع محیط‌زیست و مدیریت و کاهش پسماند، فعالیت گروه‌های هدف مختلف در حوزه‌های کاهش تولید پسماند و بهره‌گیری از الگوهای مصرف کیسه‌های بارچدای و تفکیک صحیح پسماند و استفاده از ظرفیت‌های جدید برای تحویل پسماند خشک، مشارکت و توسعه فضاهای سبزی محیطی و برگزاری فستیوال‌های محله‌ای با رویکرد توسعه ایده‌های محیط‌زیستی به‌عنوان محله پاپلوت شاهد اجرای پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی در راستای طرح «هم-سایه-هم» هستند.

آغاز پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی در محله حشمت‌الدوله پاسخی به شهروندان برای بالا بردن کیفیت زندگی شهرنشینی با مشارکت خود آنان است و سعی می‌شود این طرح با ایجاد شبکه‌ای اجتماع‌محور با مشارکت و همراهی مدیریت محله و شورایاران انجام شود.

رشد زندگی شهرنشینی و ناآشنایی بسیاری از شهروندان از مقررات و قواعد آپارتمان‌نشینی این روزها مشکلات بسیاری را پیش روی شهروندان قرار داده است و اجرای پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی یکی از ضرورت‌های عینی در فضای اجتماعی شهروندی است و در عین حال افزایش کیفیت زندگی همسایگی بین شهروندان را موجب می‌شود.

آپارتمان خود یک جامعه کوچک در اجتماع است که به گزارش اسپاد در سال ۹۹ مواردی چون ناآگاهی همسایه‌ها از قوانین آپارتمان‌نشینی، رعایت نکردن نظافت و بهداشت راه‌پله‌ها و راهروها، استفاده شخصی از فضای مشترک، بازی و سر و صدای کودکان، پرداخت نکردن هزینه شارژ یا هزینه‌های مشترک جزء عوامل ناراضیاتی از نظر مردم شناسایی شده است.

پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی در منطقه ۱۱ با به کارگیری ابزارهای تبلیغاتی و مشوق‌های اجتماعی در جهت پایداری‌سازی رفتار شهروندی با تأکید بر رویداد همسایگی انجام می‌شود. هدف از تعریف این رویدادها در این طرح آشنایی با قوانین و حریم خصوصی، افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ارتقای روحیه مشارکت و مدیریت پسماند است. امیدواریم با همکاری معتمدان محلی و شورایاران بتوانیم با شروع این پویش قدیمی در مسیر رفاه و آسایش شهرنشینی در میان شهروندان برداریم.

ویژگی‌های طرح ارتقای کیفیت زندگی آپارتمان‌نشینی:

- استفاده از روش‌های مشارکتی و تسهیلگری
- هماهنگی درون و برون سازمانی گسترده
- در برگری ابعاد تبلیغاتی ترویجی آموزشی و تسهیلگری
- ایجاد شبکه‌های اجتماع‌محور
- توجه به یکی از مهم‌ترین بسترهای ارتباط جمعی در تهران یعنی آپارتمان

۸۶/۳۷

درصد جمعیت تهرانی‌ها
آپارتمان‌نشین هستند

۸۶/۰۶

درصد از جمعیت
آپارتمان‌نشین تهران
هیچ اطلاعی از قوانین
آپارتمان‌نشینی ندارند

۸۷/۰۷

درصد از
آپارتمان‌نشین‌های
پایتخت آموزش قوانین
آپارتمان‌نشینی را
ندیده‌اند

برخورداری از شرایطی چون جمعیت، تکرر نوجوانان و بافت ساختمانی به‌عنوان محله پاپلوت انتخاب شد. «محله دروازه‌شمیران دارای ۷۷۰ هزار مترمربع بافت مسکونی است که از این وسعت ۵۸۰ هزار مترمربع را بافت مسکونی قابل اسکان و ۱۹۰ هزار مترمربع را بافت مسکونی فرسوده شامل می‌شود.»

به گفته او، تعداد واحدهای مسکونی مستقر در محله دروازه‌شمیران ۷۸۲۳ پلاک است که از این تعداد ۵۷۲۴ پلاک غیرفرسوده و ۲۰۸۷ پلاک فرسوده‌اند. او ادامه می‌دهد: «در محله دروازه‌شمیران بالغ بر ۳۸ هزار نفر جمعیت سکونت دارند که از این تعداد ۹۴۷۹ نفر در بافت فرسوده و ۲۸۹۲۶ نفر در بافت مسکونی غیرفرسوده سکونت دارند. امیدواریم با اجرای این طرح شاهد ارتقای کیفیت زندگی شهروندان باشیم.»

شاهمیر با اشاره به ۴ خیابان انتخاب‌شده در محله دروازه‌شمیران برای اجرای پویش ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی می‌گوید: «خیابان‌های احمدی، تهرانی، شاه‌میری و واسعی که در برگیرنده ۲۰۰ پلاک هستند شاهد اجرای این طرح خواهند بود.»



سعیدشاهمیر
معاون امور اجتماعی
و فرهنگی شهردار
منطقه ۱۲

او با اشاره به پویش ارتقای فرهنگ

آپارتمان‌نشینی در تهران می‌گوید: «برای اجرای این پویش شرایط زندگی در محله‌های سنگلج، آبشرا، ایران و دروازه‌شمیران مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت محله دروازه‌شمیران به خاطر



خانه استاد لرزاده حریم ندارد!

موسوی: «مسأله ثبت آثار ملی جریان بسیار جدیدی در ایران است. قبل از انقلاب حدود ۲۰ ساختمان در ایران ثبت ملی شده بودند. چون تخریب هم به این صورت وجود نداشته است. بعدها جریان ثبت و مرمت بناها جا افتاد. ولی ثبت حریم هنوز هم به درستی اتفاق نمی‌افتد. یعنی ما ۴۰۰ بنای ثبتی داریم. ولی از میان آنها ۴۰ بنا حرم‌ریشمان هم ثبت شده است. این خانه در تهران به دنیا آمده و سال ۱۳۰۵ در همین محل ساخته شد. این خانه به عنوان یک اثر تاریخی شناخته می‌شود.»

خانه هنرمندان ۲ یا خانه معمار؟ سال ۹۸ این خانه تبدیل به موزه و در واقع خانه هنرمندان ۲ شد. اتفاقی که باعث شد این خانه تبدیل به خانه معمار شود. اما رضا موسوی این بازسازی را ندارد. کاربری را یکی از موفق‌ترین نمونه کاربری چنین پروژه‌هایی است که شهرداری در این زمینه انجام داده است. محلی هم هست و تمام افراد محلی آن را می‌شناسند.»

خود ساختمان هم کلی کار انجام می‌شود. این خانه هم خوب مرمت شده، هم ساختمان سرپاست و هم دارد کار می‌کند. یعنی طوری نیست که فقط مرمت و درش بسته شده باشد. خانه جریان و کاربری درست دارد. به نظر من یکی از بهترین پروژه‌هایی است که شهرداری در این زمینه انجام داده است. محلی هم هست و تمام افراد محلی آن را می‌شناسند.»

طراحی کرده است. لزوماً معماری خاص ندارد. او می‌گوید لرزاده به خاطر تزئینات وابسته به معماری مطرح است: «لرزاده در طول زندگی ۹۸ ساله و دوره کاری ۷۸ ساله‌اش نزدیک به ۸۴۰ بنا ساخته است. از جمله تعداد زیادی مسجد که الگوی تکراری مساجد را دارند، اما شاهکار در تزئینات اتفاق افتاده است. به نظر من، به جای اینکه با هم‌دوره‌هایش مثل «محسن فروغی» و «وارطان هوانسیان» مقایسه کنیم، که شاید نتواند با آنها رقابت کند، ولی در معرفی معماری سنتی و هنرهای تزئینی سرآمد است و نه تنها زیاد کار کرده، بلکه این معماری را در کتاب هنرهای از دست رفته مستند کرده است. یعنی اگر مقرنس یا گره چینی کار می‌کند، تمام اینها را به‌صورت هندسی طراحی کرده و مان‌گازر شده است.»

او می‌گوید: «لرزاده سال ۱۲۸۵ در تهران به دنیا آمده و سال ۱۳۰۵ تحصیلات را شروع کرده است. در دوره پهلوی و در همین سال نخستین ساختمان را می‌سازد که عمارتی سنگی بوده در عمارت مسعدآباد. طی سال‌ها بناهای مختلف و مساجد زیادی ساخته که مهم‌ترینش مسجد لرزاده در میدان خراسان است. همین‌طور مسجد اعظم قم. اما نکته مهم این است که آدمی که بلوغش در دوره قاجار است و آموزش می‌بیند و در دوره پهلوی کار می‌کند، خودش را چنان با جریان تغییر فکری تطبیق می‌دهد که خانه خود را به این سادگی می‌سازد بدون مقرنس و شاشیکاری در صورتی که استاد این کار است. البته یکی از مدرن‌ترین خانه‌هایی است که در آن دوره ساخته شده. با لکن بسیار مدرن و شیک دارد، بالاخانه خیلی خوبی دارد و حتی خریشته را روی آن ساخته است. این خانه زنگور است و ۳ بام دارد. او می‌داندسته هر چیز را کجا و چگونه استفاده کند.»

صحت‌هایمان درباره خانه بیشتر به شناخت از لرزاده انجمن‌ده است. موسوی می‌گوید: «لرزاده اتصال ۲ دوره تاریخی است. آدم‌های تأثیرگذاری هستند که دوره‌های مختلف تاریخی را دیده‌اند. او تهران محصور در خندق و دیوار و بارو را دیده است. سال ۱۳۰۴ نخستین باروی تهران می‌شود و نخستین پروژه‌ای که لرزاده انجام می‌دهد، دقیقاً یک سال بعد است. بلافاصله بعد از اینکه

حیات خانه‌موزه استاد لرزاده بوستان اهالی است

آغوش باز معمار ایرانی به سوی «بهار»

شقایق عریف‌نژاد

«خانه یک معمار دیدنی است. ظرافت دارد و زیبایی و آرامش و خانه استاد «حسین لرزاده» چنین است. در یکی از فرعی‌های خیابان بهار شیراز، جایی که جز محلی‌ها کمتر کسی گذارش به آن می‌افتد، خانه‌موزه لرزاده خودنمایی می‌کند. در خیابان خداپرست که بایستید، می‌توانید بخشی از پشت‌خانه را ببینید، اما زودتر از آن حیات را می‌بینید. حیات در واقع یک پارک نه‌چندان کوچک محلی است که اهالی در آن نفس تازه می‌کنند. حتی حالا هم که آلودگی هوا نفس نمی‌گذارد، پارک خالی از جمعیت نیست و عده‌ای روی نیمکت‌های دور‌تادور حوضی که به‌تازگی کار گذاشته شده، نشسته‌اند. خانه ۲ طبقه و نیم است با دیوارهای آجری و پنجره‌های چوبی. سر را که بالا کنید ایوان عربی زیبایی را می‌بینید. اینجا مدتی به‌عنوان سرای محله استفاده می‌شده، اما حالا خانه‌موزه است و می‌شود رایگان از آن بازدید کرد. با مسئول و راوی که بخش‌های مختلف را توضیح می‌دهد، البته نزدیک به ۴ سال است که ساختمانی بلند و بی‌ربط، درست در مجاور حیات خانه لرزاده، ساخته شده که هنوز خالی است. اما نگهبان پارک می‌گوید تبدیل به بیمارستان خواهد شد.»

خانه سال ۸۶ توسط شهرداری خریداری شده و سازمان زیباسازی آن را بازسازی کرده است. البته امسال به دلیل شیوع کرونا فقط یک هفته باز بوده است و حالا هم باز نیست. اما وقتی مأمور و نگهبان خانه برای چند دقیقه اجازه می‌دهد، می‌توانم طبقه همکف را از همان بیرون ببینم. سرسرای کوچکی است با پله‌هایی در سمت راست که به طبقه‌های بالا می‌رود. در طرف چپ هم طرح بزرگی از طرح‌های استاد، روی دیوار نقش بسته و این تمام چیزی است که می‌توانم ببینم.

خانه ساده معمار معروف

در باره خانه با «رضا موسوی» کارشناس مرمت آثار تاریخی و تهران‌شناس صحبت می‌کنم. می‌گوید: «خانه متعلق به اواخر دهه ۳۰ است و استاد لرزاده در آن زندگی کرده است. خانه ویژگی خاص معماری ندارد، اما داریم درباره دوره خاصی از معماری ایران حرف می‌زنیم. دیگر در دوره قاجار نیستیم و معماری جدیدی در حال شکل گرفتن است. خانه ساده است، اما جریان ساخت خانه‌های

همدلی داوطلبانه

برای کار خیر همیشه قرار نیست هزینه‌های هنگفتی پرداخت. گاهی یک لیخند ساده یا حضور می‌تواند ارزشی بیش پرداخت پول نقد داشته باشد. در واقع، فعالیت‌های داوطلبانه بانوان محله کارون در گروه «طریقه‌الجنت» از این جنس همدلی است. همدلی با همراهی نذری‌های مردمی خیران باعث نشاندن گل لیخند بر چهره همسایه‌های ما می‌شود. مدیر محله کارون با اشاره به این مطلب می‌گوید: «این

گروه محلی به‌صورت داوطلبانه در حال جمع‌آوری کمک‌ها و نذری‌های خود برای کمک به نیازمندان

محله هستند. این کمک‌ها شامل ارزاق و پول‌های نقد و وسایل ضروری و البسه و غیره است. با توجه به شرایط حساس فعلی، بیشتر اطلاع‌رسانی‌ها و کمک‌ها از طریق فضای مجازی انجام می‌شود.» به گفته «آنا عباس‌زاده» یکی مهم‌ترین دستاوردهای این کار خیر خداپسندانه کمک به ارتقای معیشت خانواده‌هاست. کمکی که سهم مهمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی محله دارد.

این روزها کرونا هست و بسیاری از جشن‌ها و شادی‌ها متوقف شده است. اما سنت ازدواج به جای خودش باقی است. شروع زندگی به مهیا کردن اسباب اولیه زندگی نیاز دارد. پدرهای زیادی در آمدش این شرایط ویژه که همه در قرنطینه دستشان خالی است. تهیه چیزی به‌سای همراهی خیران از دیگر فعالیت‌های مهم گروه «طریقه‌الجنت» است که «خانم رضامند» از دیگر اعضای گروه به آن اشاره می‌کند: «هزینه لوازم برقی در نوسان است و قیمت اجناس دائم رو به افزایش. خرید جهیزیه در این شرایط کار چندان راحتی نیست. اما در این میان، کاسبان با‌تصافی هستند که کمک حال اعضای گروه‌اند و اجناس را با قیمت مناسب حساب می‌کنند. یا حتی بعضی از اعضا با اعتباری که در محله و میان کاسبان دارند، جنس قسطی می‌خرند و در اختیار فرد نیازمند قرار می‌دهند. برای مثال، در بین همسایه‌ها بانوانی بودند که نیاز به کار داشتند؛ برای آنها به همت خیران دستگاه سبزی‌خردکن، چرخ خیاطی و لوازمی از این قبیل تهیه کردیم تا به خودکفایی برسند.»



نگاهی
به فعالیت‌های
نیکوکارانه گروه
«طریقه‌الجنت»
در محله کارون

دوره‌می مجازی سبب خیر شد

فازنه توکلی

همه چیز از یک دوره‌می مجازی شروع شد. بیماری «کووید-۱۹» که از گرد راه رسید، بساط دوره‌می‌ها و بسیاری از اجتماعات جمع شد. به موازات ایجاد این فاصله‌ها و جدایی‌های اجباری برای پس‌راندن ویروس‌های کرونا که از هر درچه‌ای دنبال سرک کشیدن به جان آدم‌ها هستند، زندگی مجازی شکل جدی‌تری گرفت. ماجرایی فعالیت‌های خیرخواهانه بانوان گروه «طریقه‌الجنت» محله کارون هم از دل همین دوره‌می مجازی جان گرفت و در میان اهالی پررنگ شد. یک دوره‌می از راه دور که در این روزهای کرونایی باعث گره‌گشایی از مشکلات افراد نیازمند و بی‌بضاعتی شده که در همسایگی ما زندگی می‌کنند. اگر علاقه‌مند به راه‌اندازی یک گروه خیریه در میان دوستان و آشنایان در فضای مجازی هستید، این گزارش را بخوانید.»

هزینه دارو و درمان و پخت و توزیع غذا در میان نیازمندان بخش دیگری از فعالیت گروه «طریقه‌الجنت» است.

تأمین هزینه جاری زندگی

مردم در این روزهای سخت با تحمل هزینه‌های سنگین اقتصادی بیش از هر چیزی نیاز به دلگرمی دارند. چند وقت پیش، بر اثر یک بی‌احتیاطی، خانه یکی از همسایه‌ها آتش گرفت. تصورش را نکنید، در این شرایط ویژه که همه در قرنطینه و دل‌نگران سلامتی‌شان هستند، چنین مشکلاتی هم پیش بیاید. دلجویی از این خانواده و کمک برای تهیه لوازم مورد نیازشان ساده‌ترین کاری است که می‌توان انجام داد. «معصومه نصرانی» فرمانده بسیج پایگاه مسجد پیغمبر(ص)، این ماجرا را تعریف می‌کند و می‌گوید: «بیماری کرونا همه کارها را تعطیل کرده است. اما زندگی همیشه جاری است. پس کارهای خیریه هم تعطیل‌نبرد نیستند و باید در حد توان گره از مشکلی باز کرد.»

نصرانی معتقد است در این روزهای سخت باید اهالی چنین تعریفی می‌کند: «با جمع‌آوری مالیاتی که مردم برای جلسات قرآنی، خیرات اموات و نذورات‌شان پرداخت می‌کنند، برای نیازمندان سبب ارزاق تهیه و آن را در میان افراد نیازمند محله توزیع می‌کنیم.» کارها را میان اعضای گروه تقسیم کرده‌ایم و هرکسی مسئولیتی را عهده‌دار است. برای مثال، چند نفری هستیم که به خانه سالمندان یا مادران شهید سر می‌زنیم. اگر مادر یا پدری نیاز به رسیدگی درمانی مانند تزریقات

«تا قبل از شیوع ویروس کرونا به هر بهانه‌ای دور هم جمع می‌شدیم. برای سفره صلوات، دعا، قرائت قرآن، ختم سوره انعام، عیادت از بیماران و کارهایی از این دست، بهانه بیشتر جمع شدن‌هایمان بود تا اینکه به دلیل شیوع این بیماری کارهای ما از جمله دیدارهای حضوری تعطیل شد و دوره‌می‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفت.»

«ساقی قاسمیان» مسئول گروه «طریقه‌الجنت»، این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «با تعطیل شدن بسیاری از کارها تصمیم گرفتیم جلساتمان را مجازی برپا کنیم. یک گروه چندنفره بسیجی هستیم که اغلب در پایگاه بسیج مسجد پیغمبر(ص) یا سرای محله کارون یا در منزل یکدیگر برای انجام کارهای خیر دور هم جمع می‌شدیم. اما فعالیت‌های مجازی حال و هوای بسیاری از کارهایمان را تغییر داد. همراه بچه‌ها در فضای مجازی جلسات دعا و قرآن خوانی برگزار می‌کنیم. هربار یک نفرانی مراسم می‌شود و هزینه‌اش را برای کمک به نیازمندان کنار می‌گذاریم.»

این همسایه ما در خیابان کارون درباره استقبال گرم از برپایی برنامه‌های مذهبی در میان اهالی چنین تعریف می‌کند: «با جمع‌آوری مالیاتی که مردم برای جلسات قرآنی، خیرات اموات و نذورات‌شان پرداخت می‌کنند، برای نیازمندان سبب ارزاق تهیه و آن را در میان افراد نیازمند محله توزیع می‌کنیم.» کارها را میان اعضای گروه تقسیم کرده‌ایم و هرکسی مسئولیتی را عهده‌دار است. برای مثال، چند نفری هستیم که به خانه سالمندان یا مادران شهید سر می‌زنیم. اگر مادر یا پدری نیاز به رسیدگی درمانی مانند تزریقات



ساقی قاسمیان
مسئول گروه
«طریقه‌الجنت»



گفت‌وگو با اعضای گروهی از بسیجیان که در محله حشمتیه خانه‌های نیازمندان را رایگان تعمیر می‌کنند

حس خوب خدمت به مردم

روزهای خوبی را نمی‌گذرانیم. فشارهای اقتصادی قشر متوسط را آزار می‌دهد و قشر ضعیف را امان

می‌برد. تمام تلاش قشسر متوسط برای عقب نماندن از نیازهای روزمره است و دست قشر ضعیف‌گاه از روزی هم بی‌نصیب می‌ماند. کرونا هم که دیگر تکلیفش معلوم است. در این میان اما افرادی هستند که فکرشان تنها در گیر خودشان نیست. آنها به‌جز خودشان همسایه‌شان را هم می‌بینند و بنی آدم برایشان فقط در کتاب، اعضای یک پیکر نیستند. گروه پایگاه بسیج ناحیه شهید مطهری در محله حشمتیه از این دسته‌اند. آنها چند ماه است که علاوه بر تهیه نیازهای روزانه افراد بی‌بضاعت، کارهای فنی و تأسیسات خانه‌های آنها را هم که اغلب فرسوده و مشکل‌دار است، انجام می‌دهند. این گروه ۱۳ نفرند و بیش‌شان برق‌کار، لوله‌کش و تأسیساتی وجود دارد. با چند نفر از اعضای این گروه صحبت کرده‌ایم.



«محسن متقی» مدیر محله حشمتیه، کسی است که نیازمندان محله را که خانه‌شان احتیاج به تعمیر دارد، شناسایی می‌کند. او درباره شروع این کار می‌گوید: «چند ماه پیش یکی از خانواده‌های محله که از نظر مالی مشکل دارند و در یک خانه قدیمی و فرسوده مستأجرنه، به ما گفتند خانه‌شان نیاز به تعمیرات جدی دارد. صاحب‌خانه البته از نیکوکاران است و خانه را با قیمت خوبی به این خانواده اجاره داده است، اما هزینه تعمیرات را نمی‌پذیرفت. بنابراین، آنها مستأصل شده بودند. ما با فرامنده بسیج حوزه مطهری صحبت کردیم. او گفت برق‌کارها، شیشه‌برها و تأسیساتی‌هایی را می‌شناسد که حاضرند رایگان تعمیرات انجام بدهند. هماهنگی‌ها با این گروه انجام شد. آنها به منزل این خانواده رفتند و وقتی کارشان تمام شد، شیشه‌های خانه جا افتاده بود، شیرآلات

نیازمند یاری نیکو کاران

بسیاری از تأسیساتی‌ها به دلیل ترس از کرونا برای تعمیر به خانه کسی نمی‌روند. اما ما با رعایت همه مسائل بهداشتی این کار را می‌کنیم. ما معتقدیم تن سالم و توانایی داریم و باید به شکرانه‌اش به دیگران کمک کنیم.»

طبق گفته‌های او، افراد گروه از اول این تعداد کار هزینه‌ای می‌خواهد که‌گاه فراهم کردندش دشار است. گچ‌کاری، لوله‌کشی و... هرکدام وسایل و ابزاری می‌خواهند که باید برایشان هزینه کرد. اگر نیکوکاران محله به ما کمک کنند، می‌توانیم برای خانواده‌های بیشتری زندگی را آسان‌تر کنیم و بازی از دوششان برداریم.»

رسیدگی به حاشیه نشین‌ها

یکی دیگر از افراد این گروه «علیرضا خدادادی» است که او هم کارهای هماهنگی را انجام می‌دهد و بخش دیگری از کارهای این گروه

را توضیح می‌دهد: «ما علاوه بر تعمیر و انجام کارهای فنی خانه، وسایلی مثل مکت و فرش و کمد هم برای این افراد تهیه می‌کنیم. پیش از این در سیل لرستان و گلستان هم فعال بودیم. از سال گذشته هم کمک‌های معیشتی را شروع کردیم. علاوه بر محله خودمان، به محله‌های فقیرنشین و حاشیه‌ای هم می‌رویم و تا جایی که می‌توانیم به آنها کمک می‌کنیم.» این مناطق محروم حاشیه‌ای در اطراف ورامین و کنار کوره‌پزخانه‌ها هستند و خانواده‌های هندی و پاکستانی در شرایط بسیار بد در آنجا زندگی می‌کنند. این گروه به‌طور منظم به این مناطق سرکشی می‌کنند و سعی دارند بر این شرایط بد تأثیر مثبتی بگذارند.

رعایت همه مسائل بهداشتی

«رضا صالحی» از کسانی است که در گروه کار لوله‌کشی انجام می‌دهد. او بازنشته بانک ملی است و آن‌طور که توضیح می‌دهد کار لوله‌کشی و برق‌کشی و آشپزی را از کودکی انجام می‌داده است. او می‌گوید

یکشنبه ۲۱ دی ۱۳۹۹ • شماره ۷۸۶ •

باور تان

می‌شود هنوز

در این پاساژ

۸۰ ساله و

ناایمن، چراغ

کارگاه‌ها

روشن است؟

ابلاغ حکم ایمن سازی به مالک

با اجرای عملیات تعریض

خیابان امام خمینی(ره) و تخریب بخشی از پاساژ و آزادسازی پیاده‌رو، اوضاع ایمنی پاساژ وخیم‌تر شد. «سعید قلیچ‌خانی» شهردار ناحیه ۲، در این باره توضیح می‌دهد: «با حکم اداره حقوقی و دادستانی، بخشی

از پاساژ که شهرداری تملک کرده بود، تخریب شد. البته به مالک پاساژ هم ظرف یک هفته حکم ایمن‌سازی پاساژ را ابلاغ کردیم تا برای ایمن‌سازی ملک خود اقدام کند. این ابلاغیه صورت‌جلسه شده است.»



پرسه حادثه در پاساژ موسوی

بهاره خسروی گفت

◀چند سال می‌شد که اجرای طرح تعریض خیابان امام خمینی(ره) در تکه دهم پایتخت برای تسهیل رفت‌وآمد و دسترسی آسان غرب به شرق و برعکس در دستور کار بود تا سرانجام به بهربرداری رسید. این روزها بلوار امام خمینی(ره)، حسایی نواز و پیاده‌رو و خیابان عریض‌تر و بسیاری از مغازه‌ها و خانه‌های این مسیر نوسازی شده‌اند. البته تعدادی املاک معارض هم وجود دارند که به دلیل به توافق نرسیدن با مالکانشان، هنوز تعیین تکلیف نشده‌اند و اوضاع نابسامانی دارند. پاساژ قدیمی تولیدکفش در خیابان امام خمینی(ره)، حدفاصل خیابان رودکی و بزرگراه نواب صفوی، یکی از همین املاک بلاتکلیف است؛ نیمی از پاساژ در طرح تعریض قرار گرفت و از سوی شهرداری تملک و برای آزادسازی مسیر پیاده‌رو تخریب شد، اما روزگار بخش باقی‌مانده این پاساژ ۸۰ ساله چندان خوش نیست. فضای پاساژ برای کسب‌وکار و تردد اندک کاسبان بازمانده چندان ایمن نیست و هر لحظه امکان تخریب و بروز صدمات و آسیب‌های جبران‌ناپذیر برای کسبه، شهروندان و به‌ویژه همسایه‌ها وجود دارد. با کاسبان و مسئولان شهری درباره تأمین ایمنی این پاساژ گفت‌وگو کردیم.▶

کوچک‌ترین بی‌احتیاطی باعث بروز آتش‌سوزی می‌شود. آتش‌سوزی در این پاساژ تقریباً متروکه، فاجعه‌ای بزرگ است. خواسته ما ایمن‌سازی پاساژ است یا اینکه ما چند کاسب را برای ادامه فعالیت و کار در جای مناسبی تا مشخص شدن تکلیف پاساژ اسکان دهند، ما گلابه داریم از اینکه امنیت جانی نداریم. اما نمی‌خواهیم برای حل این معضل از کار بیکار شویم. چون در این روزهای سخت به شب‌سعید همه کاسبان قدیمی این پاساژ، درباره قدمت متحمل می‌شوند، چون این پاساژ دیگر به‌هیچ‌وجه ایمن نیست.»

اما چاره چیست؟ در همین اندک مغازه‌های باقی‌مانده هم ۴۰ نفر نان می‌خورند. بلاتکلیف مانده‌ایم. در لحظه محیط کار هیچ امنیتی نداریم. هر لحظه امکان آتش‌سوزی و اتفاقات ناگوار وجود دارد. از طرف دیگر، دل‌نگران تعطیلی کسب‌وکارمان در این روزهای سخت کرونازده هستیم. اگر اتفاقی بیفتد، همه کاسبان قدیمی این پاساژ، درباره قدمت متحمل می‌شوند، چون این پاساژ دیگر به‌هیچ‌وجه ایمن نیست.»

کامور در ادامه توضیح می‌دهد: «با اجرای عملیات تخریب املاک تملک‌شده از سوی شهرداری، مشکلات بیشتر هم شد. همین ایمن نبودن پاساژ باعث

بی‌رغبتی بیشتری و رکود کاسبی شده است. بسیاری از مشتری‌ها جرأت حضور در پاساژ را ندارند. بد نیست تا اوضاع این پاساژ ساماندهی شود برای ایمنی پاساژ چاره‌ای اندیشید.»

کسب و کار ما را تعطیل نکنید

یکی از کاسبان که نگران انعکاس گزارش ما و تعطیلی کسب‌وکارش بود، سر صحبت را باز می‌کند: «بیشتر ابزار کار ما مواد اشتعال‌زا است.



این پاساژ قدیمی جان‌خسته تاب‌وت‌وان چندانی برای بقا ندارد. وقتی به دعوت کاسبان برای بازدید از بخش‌های مختلف پاساژ راهی طبقات بالاتر شدم، با هر قدمی که برمی‌داشتم، صدای‌ریز جابه‌جایی آجرها، مانند شکستن قولنج، در گوش می‌پیچید. «ابوالفضل کامور» از دیگر کاسبان قدیمی پاساژ با نشان دادن فضای متروکه و سیم‌های آویزان سقف‌های فروریخته بیشتر مغازه‌ها می‌گوید: «سقف این پاساژ تیربلوک چوبی دارد. با هر بارندگی بخشی از پاساژ تخریب



علیرضا سلمانی دبیر شورایی محله امام‌خمینی

برای تجمع ارادل و اوباش، به‌ویژه در شب‌ها، تبدیل‌شد. خوشبختانه کاسبان با تدبیر و همداری این مشکل را حل کردند. بخش مهمی از این پاساژ هم که به‌تازگی برای تعریض خیابان امام خمینی تخریب و پیاده‌رو آزاد شد. این اقدام جای تشکر دارد.»

به گفته «علیرضا سلمانی»، نیاز امروز کاسبان ایمن‌سازی پاساژ است. با توجه به فعالیت‌های کارگاهی که در این پاساژ انجام می‌شود، آتش‌نشانی حتماً باید تأییدیه ایمنی پاساژ را صادر کند یا در صورت نیاز، تذکر لازم را به مالک پاساژ بدهد.



مرور تاریخچه شکل گیری خیابان استاد نجات‌اللهی

خاطرات دور یک خیابان اعیان‌نشین



دهه ۴۰ - ساختمان اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و فروشگاه‌ها در طبقه همکف

مقصودم حق‌جو

«ورق زدن تاریخ کوچه‌ها و محله‌ها و خیابان‌ها همیشه برای قدیمی‌ترها یادآور خاطرات تلخ و شیرین است و برای امروزی‌ها جذاب و شنیدنی؛ خیابان‌هایی که هر چند سنگفرش‌هایشان طی سال‌ها زیر پای رهگذاران فرسوده شده، اما همچنان در گوشه و کنار کوچه‌ها و پس‌کوچه‌های خود نشانه‌هایی از گذشته را حفظ کرده‌اند. ویلا یکی از همین خیابان‌های قدیمی است که در منطقه ۶ جا خوش کرده؛ خیابانی که در آن اتفاقات زیادی ثبت شده است. این خیابان دوطرفه که با خیابان‌های قرنی و حافظ موازی است، از خیابان انقلاب، در جنوبی‌ترین قسمتش، آغاز می‌شود و بعد از خیابان کریمخان به خیابان سرو در شمال می‌رسد.»

«جنتی رجبی» که در سال‌های جوانی به اینجا رفت‌وآمد داشته، ویلا را از خیابان‌هایی معرفی می‌کند که برای نخستین بار قبل از سال ۱۳۲۰ در نقشه هوایی تهران مشاهده شده است: «در همان سال‌ها کم‌کم طرح توسعه تهران مطرح شد، دروازه‌های شهر تخریب شدند و تهران از سمت شمال توسعه پیدا کرد.»

به گفته رجبی، سال ۱۳۱۶ همان سالی بود که برای نخستین بار طرح نقشه تهران برای احداث خیابان‌های جدید در شهر تهیه شد: «خیابان ویلا در این طرح جزء محدوده شمالی شهر تهران قرار گرفت. ویلا در آن دوره، مکانی مرفه‌نشین و در زمره نقاط لوکس و بالای شهر تهران بود.» از دهه ۷۰ به بعد آژانس‌های هواپیمایی، هتل‌ها و فروشگاه‌های صنایع‌دستی رونق زیادی در این خیابان پیدا کردند. در این فروشگاه‌ها گلیم‌های دستباف، ظروف نقره، آینه و شمعدان خاتم‌کاری، ظروف میناکاری، لباس محلی اقیام مختلف و بسیاری از صنایع‌دستی لوکس دیگر توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کنند در حالی که در میان این آثار، حمیربافی، کبوترافی و ورشو جایشان خالی است. قبلاً خیابان‌های مطهری و تخت‌طاووس و منوچهری بورس صنایع‌دستی بودند. بعدها که یکی از ساختمان‌های ویلا، نبش کوچه ارشد، به سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری اختصاص یافت، فروشگاه‌ها عرضه صنایع‌دستی این سازمان هم در سال ۱۳۴۶ در ساختمانی ۳ طبقه دایر شد. رجبی با این توضیح می‌افزاید: «این فروشگاه که جزء نخستین‌ها در ویلا بود اصالت خود را حفظ کرده و هنوز یکی از بزرگ‌ترین



مجتبی رجبی
سکون قدیمی

فروشگاه‌های صنایع‌دستی تهران است. در دهه ۷۰ کم‌کم آژانس‌های هواپیمایی و گردشگری، هتل‌ها و شرکت‌های خدمات گردشگری و فروشگاه‌های کوچک و بزرگ صنایع‌دستی با حضور خود به این خیابان که حالا نجات‌اللهی نامیده می‌شود، رونق دادند.»

سکونتگاه سرشناس‌ها

پای صحبت قدیمی‌های این خیابان که بنشینیم اغلب آنها انتخاب نام ویلا برای این خیابان را به واسطه وجود خانه‌های ویلایی می‌دانند که زمانی محل سکونت صاحب‌منصب‌های دولتی و افرادی بود که از لحاظ اقتصادی وضعیت خوبی داشتند.

یکی از قدیمی‌ترین کالسبان ویلا «قادر کامی» بود که از سال ۱۳۳۵ در این خیابان فعالیت داشت. پسرانش، حسین و احمد، هنوز هم مغازه پدری را حفظ کرده‌اند. «احمد کامی» درباره نامگذاری خیابان می‌گوید: «قبل از سال ۱۳۳۸ بیشتر درباریان و حتی افرادی که از لحاظ علمی در سطح بالایی بودند مانند پزشکان و روشنفکران در این خیابان که به نام ویلاشنین معروف بود سکونت داشتند. آن زمان خیابان و کوچه‌ها خاکی بود و سال ۱۳۵۰ کم‌کم خیابان‌ها از وضعیت خاکی خارج شدند.»

سال‌ها پس از خروج متفقین از ایران، خارجی‌ها هم در خانه‌های ویلایی با آجرنماهای قرمز سکونت کردند. تعداد زیادی از این افراد را ارامنه و زرتشتیان تشکیل می‌دادند که اغلب در همین راسته کسب و کار خود را داشتند. بسیاری از پزشکان زرتشتی در این خیابان مطب داشتند. کامی ادامه می‌دهد: «جای شرکت ملی گاز کنونی، مغازه موزاییک‌سازی قرار داشت که توسط یک



احمد کامی
سکون قدیمی

زرتشتی اداره می‌شد. کلیسای سرکیس مقدس هم یکی از نخستین مکان‌هایی بود که توسط ارامنه ساخته شد. خانه فرهنگ و هنر زرتشتیان و مدرسه دخترانه ماری مانوکیان از دیگر بناهای ساخته شده توسط اقلیت‌های مذهبی است.»

اندونزیایی را از دیگر ساکنان این خیابان معرفی می‌کند: «خدمتکارها در همان ملک‌های چند هزار متری، هم کار می‌کردند هم سکونت داشتند. بعد از انقلاب اسلامی شهروندان از دیگر نقاط شهر به این خیابان آمدند و به مرور تغییراتی در ظاهر خیابان ایجاد شد.» کامی از نخستین فروشگاه‌های صنایع‌دستی می‌گوید که پذیرای مهمان‌های وزارت امور خارجه بودند و توسط کلیه‌ها و اصفهانی‌ها اداره می‌شدند: «آقای نیری فردی بود که فعالیت صنایع‌دستی را در این خیابان رونق داد. آن زمان ۳ فروشگاه بیشتر دایر نبود. حدود سال ۱۳۵۱ یکی از قدیمی‌ترین فروشگاه‌های صنایع‌دستی به نام پنجه‌طلا دایر شد. آقای شیرازی صاحب مغازه بود و یک شریک کلیه می‌داشت. بعدها اصفهانی‌هایی با نام خانوادگی زندگی به تهران آمدند و درآگاستور تخت‌جمشید سابق در تقاطع طالقانی و حافظ را خریداری و به فروشگاه صنایع‌دستی تبدیل کردند. فردی که شاگرد آنها بود با حقوقی که می‌گرفت ملک‌های متعددی خریداری و آنها را به فروشگاه صنایع‌دستی تبدیل کرد. یکی از قدیمی‌ترین آنها در چهارراه سمیه هنوز دایر است.»

تا پیش از شیوع کرونا افرادی که قصد سفر به خارج از کشور داشتند، سوغات خود را از این فروشگاه‌ها تهیه می‌کردند، ولی این روزها کرونا روی درآمد فروشگاه‌های صنایع‌دستی ویلا تأثیر منفی گذاشته است و رونق قبل را ندارند.

مثل معروف «پسر کو ندارد نشان از پدر» در مورد مظفرالدین شاه قاجار هم صدق می‌کند. او هم مانند پدرش، ناصرالدین شاه، اهل گشت‌وگذار در ینگه دنیا و خرید سوغاتی‌های عجیب و غریب آن دیار بود. برخاستن صدای چرخ‌های اتومبیل در خیابان‌های خاکی تهران، سوغات یکی از همین سفرهای خارجی مظفرالدین شاه است. شاه بیمار یکبار در دیار فرنگ سوار بر «رنو» شد و سال بعد لاستیک همین اتومبیل در بارانداز انزلی خاک ایران را لمس کرد. به گفته «عباس حسینی»، برای ماجرای ورود اتومبیل به تهران دو روایت نقل شده است. در یکی از روایت‌ها دریافت اتومبیل در ازای پول خرد

انجام شده است. او می‌گوید: «فرانسوی‌ها برای راهیابی به بازار ایران برای فروش محصولاتشان تصمیم می‌گیرند تا اتومبیلی را به شاه ایران پیشکش کنند. اما مظفرالدین شاه زیر بار نمی‌رود و می‌گوید اهل رشوه گرفتن نیستیم. برای اینکه شاه قبول کند و خودرو هم مجانی باشد، اتابک یا همان صدراعظم مظفرالدین شاه یک اسکناس ۱۰ فرانکی

به مسئول کمپانی رنو می‌دهد و چون پول خرد نداشته‌اند تا مابقی پول را پس دهند، شاه درخواست خودرو دیگری برای اتابک می‌کند! البته درروایت‌ها آمده یکی از این خودروها در راه خراب می‌شود و جامی‌ماند.»

حسینی در روایت دیگر تعریف می‌کند: «سال ۱۲۷۹ شمسی برابر ۱۹۰۰ میلادی، مظفرالدین شاه ۱۶ هزار فرانک قدیم را به عیمن‌السلطنه، وزیر مختار ایران در پاریس، برای سفارش خرید اتومبیل می‌دهد و از سوی کمپانی رنو، دو دستگاه اتومبیل همراه راننده، راننده مخصوص آن (مسئو وارنه) و همسرش هم به‌عنوان راننده و مکانیک ماشین، راهی دربار ایران شدند. آنها ماهانه ۷۰۰ فرانک به‌عنوان حقوق دریافت می‌کردند.»

میراث شیطانی و نامبارک پدر

برای مردم قاطر و اسب‌سوار تهران در عهده‌ی که هنوز خیابان‌های پایتخت رنگ آسفالت را به خود ندیده بود، اتومبیل با آن صدای آزاردهنده‌اش قاصدی از جهنم بود؛ چراکه ناغافل در مسیر درشکه‌ها، اسب و قاطر قرار می‌گرفت و با صدای شیطانی‌اش باعث رم کردن حیوانات زان‌بسته می‌شد. از طرفی، این مرکب شیطانی که از پدر به پسر رسید، برای شاه مملکت هم چندان خوش یمن و مبارک نبود. حسینی با اشاره به واکنش منفی مردم تهران به اتومبیل تعریف می‌کند: «اتومبیل وقتی وارد تهران و ایران شد که هیچ خیابان و جاده آسفالتی نبود. مظفرالدین شاه اغلب برای تفرج در شهر و خیابان گلی و برگرد و خاک تهران از آن استفاده می‌کرد و محمدعلی شاه از این ارنیه پدر برای رفتن به شکار بهره‌می‌برد. در حادثه ترور محمدعلی شاه توسط انقلابیون مشروطه، شاه در تخت بربری‌های واقع در خیابان اکباتان فعلی با تارتجک مورد سوختن قرار می‌گیرد و اتومبیل از بین می‌رود. جدای از این نکته، مردم تهران در مجموع به اتومبیل واکنش منفی نشان می‌دادند و بسیاری از سر و صدا و دود آن حساسی وحشت می‌کردند و به اتومبیل لقب ارباب شیطان و مرکب شیطان می‌دادند و آن را بدشگون می‌دانستند.»

البته گاهی اوقات اتومبیل را برای تماشای مردم در میدان مشق به نمایش می‌گذاشتند. بعضی‌ها از سرکنجکاوی و بعضی ناسزاگویی، راهی این

میدان بزرگ شهر می‌شدند. همچنین اتومبیل رقیب سرسخت و جدی درشکه‌چی و گاری‌چی‌ها نیز بود، چراکه با آمدن اتومبیل کسب و کار آنها کساد شده بود.

«وستاهل» سوئدی و قوانین رانندگی اروپا

اتومبیل با همه قهر و غضبی که از سوی مردم روانه‌اش شد، به‌سرعت در میان رجال درباری و شاهزاده‌ها و ثروتمندان و کم‌کم میان مردم عادی طرفدار پیدا کرد. حالا با همگانی شدن استفاده از اتومبیل، موضوع نحوه رانندگی و رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی در خیابان‌های خاکی و پر تردد تهران به میان می‌آید. برای حل ماجرا «وستاهل»



سوئدی، دومین رئیس پلیس تهران، دست به کار می‌شود و نخستین قوانین راهنمایی و رانندگی تهران را در ۱۲ بند برگرفته از قوانین راهنمایی و رانندگی اروپا می‌نویسد. «عباس حسینی» درباره این قوانین توضیح می‌دهد:

۱) اتومبیل‌چی‌ها در اماکن پرجمعیت، ساعتی ۱۰ کیلومتر و در خارج از شهر ساعتی ۲۵ کیلومتر حرکت باشند. ۲) پیش از اینکه در حرکت به حیوان یا آلت نقاله دیگری برسند، باید آلت خبر را به صدا درآورده و مطمئن شوند راه، آزاد و بدون مانع است. ۳) در سرپیج‌های پرجمعیت به‌سرعت پای انسان حرکت کرده و آلت خبر را به صدا درآورند. ۴) هر وقت در شهر بیش از ۵ دقیقه توقف نماید بایستی اولاً موتور را از حرکت باز داشته ثانیاً از زیادی روغن جلوگیری نموده تا از دور کثافات جلوگیری شود. ثالثاً از صدای فوق‌العاده ماشین جلوگیری نموده و با دنده خلاص حرکت نمایند. ۵) در مواقع نزدیک شدن اسب و قاطر که از صدای ماشین وحشت دارند، سرعت سیر را تخفیف داده و ملایم حرکت نمایند. ۶) ترمز اتومبیل باید درست و محکم باشد. ۷) اول غروب چراغ را روشن نمایند. ۸) در مواقعی که ماشین عیب و علت پیدا می‌کند بایستی اتومبیل را در طرف راست جاده نگه داشت تا

ماجراهای ورود اتومبیل به پایتخت به روایت

«عباس حسینی» نویسنده کتاب «این اتولی که من می‌گم....»

«خر دجال» از دریا به خشکی رسید

بهاره خسروی گنگ

همزمان با آخرین ماه پاییز امسال، داستان ورود خودرو به ایران ۱۲۰ ساله شد. اتولی که از

بنگه دنیا بعد از گز کردن راه پرفراز و نشیب دریایی و زمینی و از دست دادن یارش در میانه راه، وقتی به جاده‌ها و خیابان‌های خاکی پایتخت رسید، مورد لعن و نفرین مردم تهران گرفت. مردم هر روز برای تماشای این چهارچرخ عجیب به میدان مشق می‌رفتند و به آن القابی مانند خر دجال، گردونه بخار، گردونه فرنگی و ارباب شیطان می‌دادند. آنها اعتقاد داشتند که سر و صدای مهیب اتومبیل به هنگام روشن شدن، مسافران را راهی جهنم می‌کند، غافل از اینکه روزی همین سوغات فرنگ، بخش جدانشدنی زندگی‌شان می‌شود و تهران را تبدیل به پارکینگ اتومبیل‌ها می‌کند. در این گزارش نگاهی داریم به تاریخچه ورود اتومبیل به تهران با روایت «عباس حسینی» نویسنده کتاب «این اتولی که من می‌گم....».

خواندن این گزارش نوستالژی‌های جالبی را برای ما زنده

می‌کند. تا پایان همراه باشید.

نخستین‌های اتومبیل در تهران

هویت نخستین کسی که گواهینامه رانندگی گرفت، مشخص نیست. اما بر اساس روایت‌های مکتوب، از سال ۱۲۹۸ سیل عظیمی از درشکه‌چی‌ها به سمت تهیه ماشین و دریافت گواهینامه رانندگی رفتند. به نحوی که تا قبل از سال ۱۳۰۰ چیزی بیش از ۲۰۰ گواهینامه صادر شده بود. «فتح‌الله خان بهنام» نخستین رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بود. «مسئو کلین» نخستین افسر آزمایش رانندگی بود که نام و امضای او در پای اوراق رانندگان زمان قاجاریه به زبان فرانسه نوشته شده است، «درویش خان» نوازنده تار و سه‌تار کشورمان، نخستین قربانی تصادف اتومبیل در تهران بود که در چهارم آذرماه ۱۳۰۵ درگذشت. نخستین خیابان در تهران که برای سهولت رفت‌وآمد شهروندان یکطرفه شد، خیابان لاله‌زار بود که به طرف شمال می‌رفت. ابعاد نخستین پلاک خودروها ۱۵ در ۳۰ سانتیمتر بود. این پلاک‌ها زمینه منسکی داشتند و شماره ماشین با رنگ سفید رویشان نوشته شده بود.

اسباب زحمت عابران فراهم نشود.

۹) هیچ‌وقت در جاده و شهر اتومبیل بی‌صاحب گذاشته نشود.

۱۰) اتومبیل‌چی‌ها با اوامر آژان‌های نظمیه اطاعت کرده و در مواقعی که امر می‌کنند اتومبیل را نگه داشته یا سرعت سیر را تخفیف دهند.»

خیابان‌های مدرن برای اتول سواری

سر و کله اتومبیل‌ها که در پایتخت پیدا شد، سودای بر تن کردن زخت و لباس شهری به سر تهران زد. باید این قرینه کوچک روستای ربه برای استقبال از اتومبیل چهره جدیدی به خود می‌گرفت. یکی از این تغییرات، آسفالت شدن خیابان‌ها برای تردد راحت خودروها بود. بنا بر تعریف این نویسنده، روایت شده است: «نخستین خیابان آسفالت‌شده پایتخت، خیابان «باب همایون» واقع در جنوب میدان توپخانه (میدان امام خمینی(ره) فعلی) تا سر در الماسیه و شمال شمس‌العماره بوده است. این خیابان نخستین خیابانی بود که شب‌ها توسط گاز کاربیت روشن می‌شد. همچنین خیابان یادشده در اوایل حکومت رضا خان و به مناسبت ورود «ملک فیصل اول» پادشاه کشور عراق، به تهران آسفالت شد.»

حسینی همچنین به روایت دیگری اشاره می‌کند: «در روایت دوم نقل شده که نخستین خیابانی که آسفالت شد، قسمتی از خیابان فلسطین (کاخ سابق)، از ابتدا تا چهارراه پاسپورت بود؛ محدوده‌ای که به آن «در سنگی» می‌گفتند.»



● **مدیر هنری:** کامران مهرزاده
● **صفحه آرایی:** محمدرضا محمدی تاش / علی حسینی / میلاد رفیعی
● **فائزه توکلی**
● **حروفچینی و تصحیح:** منیژه خسروآبادی / اعظم آجوربندیان / فهیمه شیرازی

● **صاحب امتیاز:** مؤسسه همشهری
● **سر دبیر:** مهدی علیپور
● **دبیر تحریریه:** سروش جنبانی
● **تحریریه:** فاطمه عسگری نیا
● **بهاره خسروی / فاطمه عرفی نژاد**
● **معصومه حق جو / فرزین شیرزادی**

● **نشانی:** خیابان ولی عصر (عج) ترسیده به پارک وی کوچه تورج پلاک ۱۴ ● **کد پستی:** ۱۹۶۶۵۳۳۸ ● **صندوق پستی:** ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● **تلفن:** ۲۳۰۲۳۱۰۰ ● **دورنگار:** ۲۳۰۲۳۴۸۸

هویت

بهاره خسروی

«فردوسی» جای «علاءالدوله» نشست

خیابان فردوسی، خیابانی که این روزها نامش با ارز و دلار گره خورده است، از قدیمی ترین و پرماجرترین خیابان های تهران است؛ گذری که کانون بسیاری از اتفاقات و خاستگاه برخی جریان های سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران و حتی جهان بوده است. خیابان فردوسی در دوره قاجاریه شکل گرفت و به واسطه قرار گرفتن باغ ایلخانی در آن به خیابان «باغ ایلخانی» مشهور شد. ساختمان «بانک ملی ایران» در دل این باغ توسط الله قلی خان ایلخانی ساخته شد. این خیابان بعدها به احترام «محمدرحیم خان علاءالدوله» از وزیران و رجال عصر ناصری، به نام او و به خیابان علاءالدوله، تغییر نام یافت. مادام «کارلا سرنا» نخستین بانوی جهانگرد ایتالیایی، در کتاب «آدمها و آیینها در ایران» در توصیف خیابان علاءالدوله می نویسد: «این خیابان مانند همه خیابان های تهران به ۳ قسمت عمده تقسیم شده است؛ وسط خیابان اختصاص به پیاده رویندگان، سوارها و حمل بار و بنه دارد. در دو طرف خیابان، پیاده رویهایی پیش بینی شده که در آن حیوان های بارکش رفت و آمد می کنند. برای محافظت درختان، در فاصله های معین، میخ های بزرگی به زمین کوبیده و از میان آنها میله های آهنی گذرانده اند.» مهرماه ۱۳۱۳ دولت ایران به مناسبت هزارمین سالروز تولد فردوسی، شاعر پارسی گوی، مراسم تجلیلی برگزار کرد. ۱۰ روز بعد از این بزرگداشت، در سیام مهرماه ۱۳۱۳، خیابان علاءالدوله تهران که از جمله خیابان های مهم شهر به شمار می آمد، به نام حکیم طوس نامگذاری و از آن پس خیابان فردوسی خوانده شد.

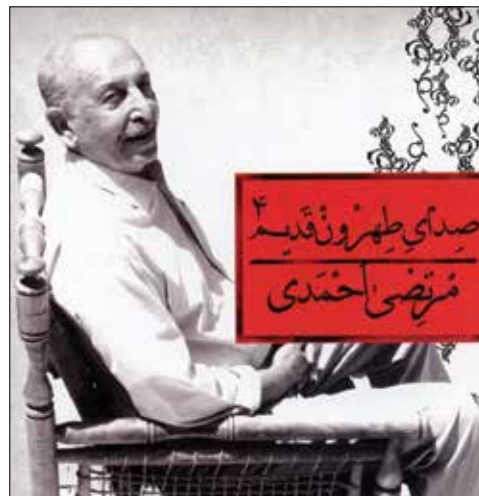


ارسم جالب

آواز بیات تهران

«از قند و شکر ساختمام جوجه خروس / بابا جان، یکی یک پول خروس / ماما (ن) جان، یکسی یک پول خروس / آقایان، یکی یک پول خروس» ماندگارترین تصنیف باقی مانده از نوستالژی های تهران قدیم است. همه قومیت ها بر اساس گویش و لهجه شان یک موسیقی در ایران دارند، مثل موسیقی های گیلکی، کردی، ترکی و... در گذشته بیشتر تهرانی ها طبق کش بودند و روی همین طبق ها محصولاتشان را می بردند و با شعر و آواز تبلیغ می کردند و می فروختند.

در واقع گویش تهرانی به نوعی در این سبک آوازهای کوچه باغی مستتر بود و بیات خوانی یکی از رسم های مردم تهران قدیم در بیشتر مراسم، به ویژه مراسم عروسی، به شمار می رفت. البته این روزها با باب شدن سبک های جدید و گاهی عجیب و غریب آوازخوانی،



این سبک آوازخوانی در غبار فراموشی جا خوش کرده است. افرادی چون استاد «مهرتاش»، «حسین خواجهمیری» و «مرتضی احمدی» از پیشگامان خواندن این سبک بودند. استاد «محمدرضا منتشری» از هنرمندان پیشکسوت و شاگردان استاد مهرتاش، یکی از افرادی است که در حال حاضر به این سبک آوازخوانی می کند.

عکاسخانه

آشنایی با عکاسان ایرانی



اگر علاقه مند به آشنایی با هنر عکاسی و چهره های مشهور عکاسی ایران هستید، تماشای برنامه «آشنایی با عکاسان ایرانی» موزه عکاس خانه شهر را به شما توصیه می کنیم. در این برنامه مجازی، عکاسان ایرانی از دوره قاجار تا معاصر همراه با مشهورترین آثارشان معرفی می شوند. برای تماشای این برنامه به نشانی اینستاگرامی @akkashane.shar مراجعه کنید.

خانه فرهنگ

آموزش خوشنویسی

دوره های آموزش حضوری و غیرحضوری خوشنویسی در خانه فرهنگ نیایش محله شاهد برای علاقه مندان به هنر و همین طور کسانی که از بدخطی رنج می برند، برگزار می شود. این دوره ها شامل آموزش نستعلیق و خط تحریری بدون محدودیت سنی است. دوره های حضوری با رعایت پروتکل های بهداشتی یکشنبه ها از ساعت ۱۲ تا ۱۳:۳۰ اجرا می شود. اهالی تکه هفتم پایتخت برای حضور در این دوره ها می توانند به نشانی: نظام آباد، سبلان جنوبی، چهارراه انصارالحسین، به سمت تهران نو، کوچه خاورپناه، خانه فرهنگ نیایش مراجعه کنند. البته قبل از حضور می توانید با شماره ۷۷۵۵۱۴۶۱ تماس بگیرید.

موزه ملک

بازنشر پندنامه لقمان حکیم

مسئولان کتابخانه موزه ملی ملک برای انتشار نسخه های خطی، چاپ سنگی و آثار موزه ای در قالب کتاب های نفیس تفاهمنامه ای با مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن» (وابسته به



فرهنگستان هنر) امضا کردند. علاوه بر این، کتاب «پندنامه لقمان حکیم» نیز بازنشر شد. این کتاب یک مرجع خوشنویسی نفیس است که در کتابخانه مؤسسه ملی ملک برای بازدید عموم به نمایش درمی آید. علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این کتاب و بهره مندی از سایر خدمات کتابخانه ملی ملک می توانند به سایت موزه ملک info@malekmuseum.org مراجعه کنند.

نگاه

اجازه ندهیم

حق مردم ضایع شود

حمیدرضا قانع

عضو شورایاری محله سهروردی و باغ صبا

موقعیت مناسب بیمارستان جرجانی در منطقه و دسترسی های مطلوب، این فضا را از سایر بیمارستان های در حال ساخت منطقه نیز متمایز کرده است. بیمارستان جرجانی نخستین بیمارستانی نیست که با بی مهری برخی مسئولان مواجه شده است، اما این مسأله باید در نظر گرفته شود که رها ماندن و مستهلک شدن یک فضای قابل استفاده و مورد نیاز شهروندان، مصداق حق الناس است. در مورد بیمارستان جرجانی، ۳ نکته حائز اهمیت است:

۱. مطالعه کافی و استفاده صحیح از منابع موجود و ظرفیت های منطقه ای و وسعت این زمین و ارزش پروژه، نشان از سرمایه ای مردمی است که توسط برخی مدیران مستهلک شده است. این فضا بهترین نقطه برای ساخت بیمارستان در منطقه ۷ است که حتی می تواند جایگزین بیمارستان سوانح سوختگی عمیدیه محله سهروردی - باغ صبا شود که در محدوده کاملاً محلی قرار گرفته است.

۲. تبیین راهکار اجرایی مناسب و پیگیری مسائل و معضلات به طور شایسته تا حصول نتیجه. اگر از مسئولان درخصوص این پروژه، سؤالاتی شود، حتماً می گویند که ما این موضوع را پیگیری کرده ایم و نتیجه نداشته است یا اینکه درحال پیگیری است. اما واقعیت این است که حق مردم، چند سال باید در حال پیگیری باشد؟ این پیگیری به چه شکل بوده که نتیجه نداشته است؟

مدیران ما باید این موضوع را در نظر بگیرند که برای تحقق نیازها و خواسته های بحق مردم و حفظ منافع عموم اهالی منطقه، پیگیری مستمر نیاز است. در حوزه مدیریت شهری و تمامی حوزه های کشور به مدیرانی دلسوز نیاز داریم که صحبت های مردم را بشنوند و مطالبه گر باشند. صرفاً با طرح موضوع در مجامع مختلف، معضلات حل نخواهد شد و نیاز به مذاکره و رایزنی های پی درپی است.

از سوی دیگر، سرعت در اقدامات نیز بسیار حائز اهمیت است. چرا در خواسته های مردم، باید این قدر در چرخه اداری معطل بماند؟! مدیران جهادی، گره گشای این مسائل هستند؛ مدیرانی که در هر زمان، پاسخگوی مردم و پیگیر مسائل آنها هستند.

۳. مدیریت یکپارچه شهری و تصمیم گیری توسط یک نهاد واحد برخی از مسائل موجود در حوزه شهری، به علت نبود مدیریت یکپارچه شهری، به مشکلاتی برخورد خورد. زمانی که این سیستم یکپارچه از محلات، نواحی و مناطق، شکل بگیرد و مدیریت شود، یقیناً از حجم این قبیل معضلات شهری کاسته خواهد شد.